

# تحلیل ثانویه مطالعات

## دینداری نوجوانان

(ویراست اول)

مرکز رصد

نوع گزارش: تحلیل ثانویه

نویسنده: فرزانه امین زاده

دی ۱۴۰۱

# باسمہ تعالیٰ

تحليل ثانويه  
مطالعات دينداري نوجوانان  
(ويراست اول)

مرکز رصد

دی ۱۴۰۱

## فهرست مطالب:

۱- مقدمه:	۴
۲- نقشه پیشینه مطالعات انجام شده:	۵
۳- جدول مطالعات انجام شده:	۶
۴- مروری بر مطالعات انجام شده در مورد دینداری:	۱۲
۴-۱- مقایسه رویکرد اسلامی و روانشناختی:	۱۲
۴-۲- گونه های دینداری:	۱۴
۴-۳- عوامل موثر بر دینداری:	۱۸
۴-۴- روش ها و راهکارها:	۲۷
۵- نتیجه گیری:	۳۴
۶- منابع:	۴۲

## ۱- مقدمه:

به باور بسیاری از صاحب نظران، دوره نوجوانی مرحله حساس شکل گیری هویت است. نوجوان در این دوره سنی با تحولات و مسائل زیادی از لحاظ جسمی، اخلاقی، خانواده، فرهنگی، تحصیلی و اجتماعی روبرو است. بنابراین رسیدن به شناخت دقیق و علمی از نوجوان و تغییرات نوجوانی و برخی از ویژگی های رفتاری جدیدی که امروزه به واسطه تغییرات سبک زندگی در نوجوان ما شکل گرفته، ضروری به نظر می رسد؛ به همین دلیل بخش **رصدخانه نوجوان** به منظور انجام مطالعات کمی و کیفی در حوزه نوجوان، طراحی گردید. هدف اصلی آن رسیدن به یک شناخت یا "توصیف و تبیین مستمر، علمی و دقیق از نوجوان ایرانی امروز" است که از طریق چهار بستر: **بررسی، فراتحلیل و گزارش داده های ثبتي حوزه نوجوان**؛ مطالعات میدانی با روش های کمی و کیفی؛ جمع آوری دیدگاه ها و نظریات صاحب نظران، کارشناسان و خبرگان حوزه کودک و نوجوان؛ و تحلیل رفتار ها، کنش ها و ذائقه نوجوان ایرانی از طریق تحلیل شبکه های اجتماعی پروژه هایی را تعریف نموده و در حال انجام است.

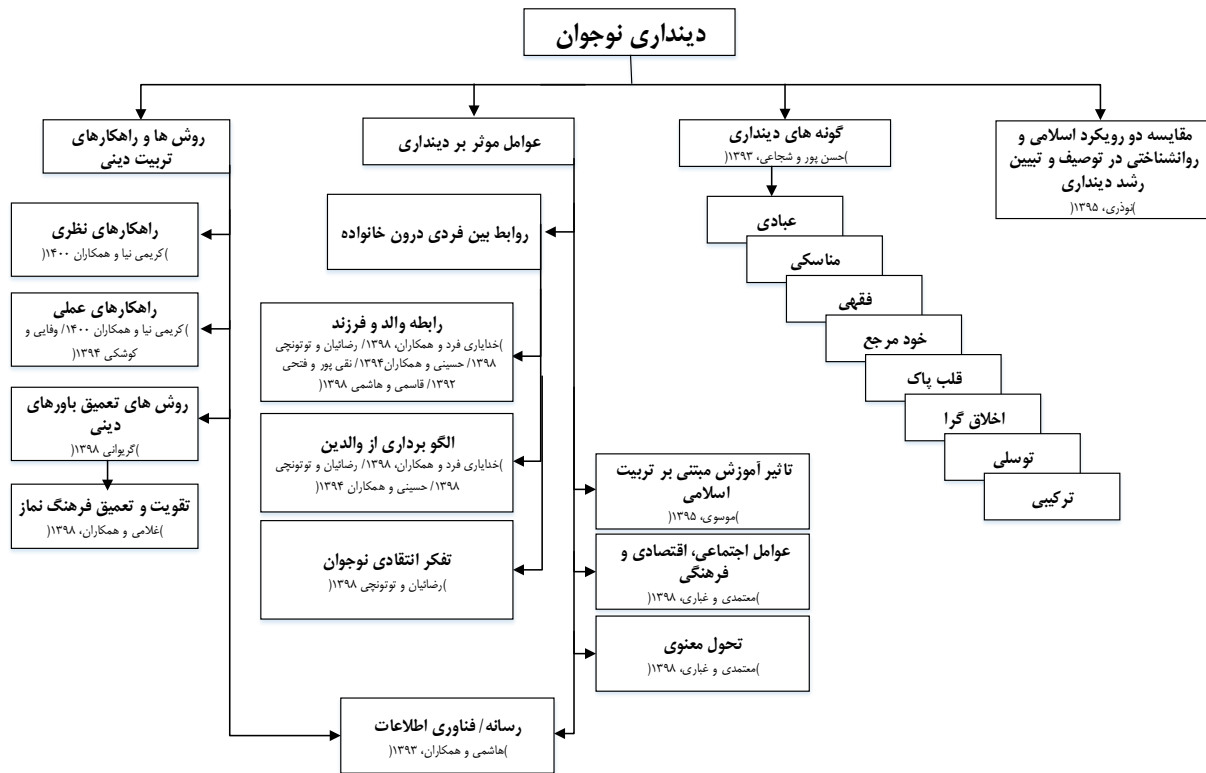
یکی از مهم ترین منابع موجود برای فهم مسائل اجتماعی و فرهنگی، مراجعه به نتایج مطالعات و تحقیقات علمی گذشته است. انجام مطالعات و تحقیقات علمی نیازمند صرف زمان و هزینه قابل توجهی است. از طرفی مهمترین مزایای یک مطالعه ثانویه عبارتند از؛ کم شدن هزینه ها، وسعت اطلاعات در دسترس (به عبارتی دسترسی به روند تغییرات یک پدیده در طول زمان) و جمع آوری داده ها توسط افراد متخصص و پژوهشگر. که استفاده از مطالعات دیگر در قالب مطالعات ثانویه می تواند فهمی بهتر از شرایط را در اختیار ما قرار دهد.

یکی از موضوعاتی که مرور آن در مطالعات گذشته به داشتن تصویری روشن از نوجوان ایرانی کمک می کند موضوع "دینداری" است. دین چهره جهان را در نظر فرد دیندار دگرگون می سازد و طرز تلقی او را از خود، خلقت و رویدادهای پیرامون تغییر می دهد. فرد دیندار خود را تحت حمایت و لطف همه جانبه خداوند، بزرگترین نیروی موجود می بیند و بدین ترتیب احساس اطمینان و آرامش و لذت معنوی عمیقی به وی دست می دهد. چنین فردی به واسطه ناملايمات و ناکامی های زندگی دچار ناامیدی و اضطراب نمی گردد، زیرا خداوند را حامی خویش می داند (کروز ۲۰۰۳: ۱۶۱). حضور دائمی، مؤثر و گسترده دین در جامعه مشهود و مسلم است؛ اگرچه اعتقادات مذهبی از یک فرهنگ به فرهنگ دیگر متمایز (گیدنز، ۱۳۷۸: ۵۱۴) و به لحاظ شکل و نوع و میزان متفاوت است. (گیدنز، ۱۳۷۸: ۵۱۴). در جامعه ایرانی نیز، دین همواره یکی از عناصر اصلی و سازنده فرهنگ ایرانیان و یکی از عوامل مهم در شکل دهی به تغییرات و دگرگونی های جامعه ایران بوده است. نوجوانان نه تنها به عنوان قشری مورد توجه در میان سایر گروه های سنی، بلکه به مثابه پاره ای پرقوت از نیروهای اجتماعی در روندهای کلان جامعه مطرح هستند که ممکن است فرد با بحران ها و چالش های دینداری در این دوره از زندگی مواجه شود (کلانتری و فرهادی، ۱۳۸۷: ۱۶۱).

برای این تحقیق در جستجوی بانک های اطلاعاتی و مراکز پژوهشی از ترکیب کلیدواژه های فارسی؛ نوجوان، دانش آموز، دینداری، دین و تربیت دینی استفاده شد. در این بخش پایگاه داده های داخلی شامل: مگ ایران، نورمگز، SID و پرتال جامع علوم انسانی با کلیدواژه های فوق مورد بررسی قرار گرفتند. از این جستجو ۳۰ عنوان مقاله بدست آمد که ۱۵ مقاله بر اساس اهداف و موضوعات نسبتا مشابه مطالعات انتخاب شدند؛ به صورتیکه مطالعاتی انتخاب و به مطالعه

وارد شدند که به بررسی عوامل موثر و شیوه هایی که به نوعی به دینداری منتهی می شوند پرداخته باشند. تحقیقات صورت گرفته با محوریت "دینداری نوجوانان" به موضوعات مختلفی پرداخته است، از جمله می توان به موضوعات کلی؛ تفاوت رویکرد اسلامی و روانشناختی در توصیف و تبیین رشد دینداری (یک مقاله)، گونه های دین داری (۲ مقاله)، عوامل موثر بر دینداری (۸ مقاله) و در نهایت روش ها و راهکارهای ایجاد محبت به اهل بیت(ع) و تربیت عبادی (۴ مقاله) اشاره نمود.

## ۲- نقشه پیشینه مطالعات انجام شده:



### ۳- جدول مطالعات انجام شده:

#### دینداری و نوجوان

ردیف	عنوان مقاله	سال	نویسنده	اهداف / موضوع	فرضیه ها	نظریه	روش و ابزار	نوع و تعداد پرسشنامه و مصاحبه	نتایج	پیشنهادهای
۱	روابط بین فردی درون خانواده و دینداری نوجوانان: ارائه یک مدل ساختاری	۱۳۹۸	محمد باقر غباری، بناب، الهه حاجزی، رامین هاشمی گشنیگانی*	ارائه الگوی معادله ساختاری دینداری نوجوانان، بر اساس روابط بین فردی درون خانواده	خود تعیین گری رابینز (۱۹۹۵) / دینداری خدایاری فرد و همکاران (۱۳۸۸)	نمونه گیری تصادفی خوشه ای چند مرحله ای / در طرح های توصیفی-همبستگی از نوع الگوی معادلات ساختاری (SEM)	۷۲۳ دانش آموز دبیرستانی (۴۹ درصد دختر و ۵۱ درصد پسر) با میانگین سنی ۱۶.۴۱ / پرسشنامه های محقق ساخته تقویت دینداری و الگو گیری از دینداری والدین	اثرات مستقیم سبک های دلبستگی ایمن، اضطرابی / اجتنابی، اضطرابی/دوسوگرا و تقویت دینداری بر دینداری نوجوانان معنادار است. همچنین اثرات غیر مستقیم سبک های دلبستگی ایمن، اضطرابی/اجتنابی، تقویت دینداری، مشارکت جویی والدین و حمایت از خودمختاری، از طریق میانجی گری الگوگیری از والدین با دینداری نوجوانان معنادار است. در نتیجه می توان گفت: نحوه تعامل والدین با فرزندان، به شیوه های مستقیم و غیر مستقیم، رشد دینداری در نوجوانان را دستخوش تحول می سازد و نقش پویایی در شکل گیری و رشد باورهای دینی، عواطف دینی و رفتارهای دینی آنان ایفا می کند.	مطالعه سایر عوامل تاثیرگذار از جمله بررسی نقش گروه دوستان و همسالان، مکان ها و سازمان های مربوط به امور دینی، مرشدان و رهبران دینی و فعالیت های رسانه ای پرداخته شود. همچنین با توجه به نقش تقویت در دینداری نوجوانان، پیشنهاد می شود به بررسی و مطالعه تاثیرگذاری تقویت غیر مستقیم و جانشینی و همچنین بررسی تفاوت برنامه های تقویتی بر دینداری نوجوانان پرداخته شود.	
۲	تأثیر آموزش مبتنی بر تربیت اسلامی بر سبک زندگی اسلامی و جهت گیری مذهبی نوجوانان	۱۳۹۵	ستاره موسوی	بررسی تأثیر آموزش مبتنی بر تربیت اسلامی بر سبک زندگی اسلامی و جهت گیری مذهبی نوجوانان دختر شهرضا	فرضیه اول: آموزش مبتنی بر تربیت اسلامی بر ابعاد سبک زندگی اسلامی تأثیری معنادار است. فرضیه دوم: آموزش مبتنی بر تربیت اسلامی بر ابعاد جهت گیری مذهبی تأثیری معنادار است.	ندارد (در حد پیشینه و تعریف مفاهیم)	نیمه تجربی با استفاده از پیش آزمون-پس آزمون-پیگیری با گروه گواه	۳۰ نوجوان دختر ۱۴-۱۸ ساله از میان ۴۹۴۹ نفر دختر نوجوان شهر رضا / پرسشنامه جهت گیری معنوی / پرسشنامه محقق ساخته سبک زندگی اسلامی	نتایج نشان داد که تأثیر آموزش مبتنی بر تربیت اسلامی بر بهبود ابعاد سبک زندگی اسلامی ( آرامش و معناداری زندگی، روابط بین فردی و ویژگیهای رفتاری) در هر دو مرحله پس آزمون و پیگیری تأیید شد. همچنین تأثیر آموزش مبتنی بر تربیت اسلامی بر بهبود سطوح جهت گیری مذهبی (عقاید مناسک و اخلاق) در هر دو مرحله پس آزمون و پیگیری تأیید شد.	طراحان درسی نگاهی متعادل به ابعاد شناختی، عاطفی و عملکردی بر مبنای آموزه های تربیت اسلامی داشته باشند. / تلفیق آموزه های تربیت اسلامی در ابعاد اهداف، محتوا و روش ها و رهنمودهای تدریس و ارزشیابی/ به دانش آموزان فرصت داده شود که در هدف های یادگیری خود حق انتخاب داشته باشند. / زمینه بحث و تبادل نظر پیرامون مسائل و مشکلات معنوی، تجزیه و تحلیل موقعیتی در هویت ملی و جهانی در برنامه های درسی ارائه گردد. / دست اندر کاران برنامه ریزی و تألیف ضمن مبادله اطلاعات با کشورهای دیگر از نتایج و دستاوردهای روزآمد سایر کشورها با توجه به شرایط ملی، فرهنگی، اعتقادی کشورمان استفاده نمایند.

ردیف	عنوان مقاله	سال	نویسنده	اهداف / موضوع	فرضیه ها	نظریه	روش و ابزار	نوع و تعداد پرسشنامه و مصاحبه	نتایج	پیشنهادات
۳	روش های تعمیق باورهای دینی کودکان و نوجوانان	۱۳۹۸	مسلم گریوانی	تبیین مفاهیم کلیدی و رویکردهای مختلف تربیتی، و تبیین جایگاه تعمیق باورها در متون دینی		ندارد (در حد پیشینه و تعریف مفاهیم)	سه روش تربیتی (برونگرا (متابعت)، درون زا (دیدگاه معاصران) و عمقی و توحیدی (رویکرد برگزیده)		آنچه به عنوان یک آسیب تربیتی در تعلیم و تربیت مربیان و والدین نمود آشکاری دارد، «تربیت سطحی، صوری و ظاهری» دین به فرزندان و «عدم تعمیق باورهای دینی و نیز توجه به «عوامل بیرونی» تربیت است تا عوامل درونی آن. همچنین توجه به ظواهر و کنش های دینی است تا باورها و ارزش های دینی. درونی سازی راهکار رهایی از این آسیب است؛ زیرا درونی کردن یک ارزش و فضیلت، عمیق ترین و پایدارترین پاسخ به نفوذ اجتماعی است. برای تعمیق باورهای دینی پنج گام اصلی باید برداشته شود: ایجاد انس دینی؛ ایجاد عادت دینی؛ ایجاد معرفت دینی؛ ایجاد معنویت دینی؛ پرهیز از دافعه ها و موانع تعمیق باورها. هر کدام از این دوره ها میتواند ویژه یک سن خاصی باشد.	
۴	راه های ایجاد محبت به اهل بیت (علیهم السلام) در کودکان و نوجوانان	۱۴۰۰	محمد مهدی کریمی نیا، زهرا سنچولی، ابراهیم ولایتی، فاضل، مجتبی انصاری مقدم /	مجموعه راهکارهای نظری و عملی برای تربیت فرزندان در مسیر اهل بیت		ندارد	روش کتابخانه ای برای گردآوری مطالب و روی آورد پژوهش به روش توصیفی-تحلیلی		از جمله راه های نظری ایجاد محبت نسبت به اهل بیت در کودکان و نوجوانان عبارتند از: معرفت اهل بیت، شناساندن جایگاه و حقوق و فضایل اهل بیت و آموزش چگونگی توسل به اهل بیت، و از جمله راه های عملی ایجاد محبت نسبت به اهل بیت عبارتند از: مراقبت های ویژه زمان انعقاد نطفه و دوران جنینی، تغذیه پاک و حلال، بزرگداشت ایام وفات و ولادت ایمه، آشنایی فرزندان با سرزمین های مقدس و زیارت ایمه.	
۵	راهکارهای تربیت عبادی نوجوانان	۱۳۹۴	رضا وفايي، فتح الله کوشکی	ارائه راهکارهای تربیت عبادی نوجوانان		ندارد	توصیفی - تحلیلی و با شیوه های کیفی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته		برای موفقیت در امر تربیت عبادی ضروری است به نکات زیر توجه شود: زمینه سازی مناسب: یعنی ایجاد آمادگی در نوجوانان از نظر روحی، روانی و عاطفی نسبت به عبادات بصیرت بخشی، الگوهای کامل، شیوه تیشیر: این شیوه سبب مقاوم سازی مرتبی در قبال تهدیدات اعتقادی و دعوت به عبادت و سوق به سوی معارف اسلامی می شود؛ روش تشویق و تنبیه، غریزه حب ذات در نوجوانان و تکریم آنان: باعث می شود روحیه ای طبیعی و روانی متعادل داشته باشند و به سمت عبادت گرایشی قوی پیدا کنند؛ مراقبه و محاسبه، تذکر و یادآوری نعمت های الهی؛ بهره گیری از تمثیلات و تشبیهات: این روش، به ویژه برای کودکان و نوجوانانی است که به بلوغ عقلی و فکری نرسیده اند، کاربرد دارد؛ چراکه خداوند بسیاری از معارف و حقایق بلند را به شکل تمثیل بیان کرده است؛ به کارگیری آهنگ و لحن مناسب، موعظه، دعا و نیایش، ارتباط با اماکن مذهبی.	
۶	مراحل تحول معنوی و درک مفهوم خدا در	۱۳۹۸	فرزانه معتمدی،	بررسی ارتباط تحول شناختی، سن، جنس و برداشت از مفهوم خدا با تحول شناختی و سن رابطه مثبت دارد. تحول شناختی با سن رابطه مثبت دارد. برداشت کودکان و		دارد (روش بالینی پیازه، نگهداری ذهنی مقدار و وزن،	پژوهش از نوع پس رویدادی	روش نمونه گیری از نوع بلوکی تصادفی و حجم نمونه ۱۶۰ نفر از دانش	در یافته های کمی تحول شناختی، سن و جنس آزمودنی ها با برداشت از مفهوم خدا رابطه مثبت و مستقیمی داشت ولیکن شرایط اقتصادی و اجتماعی در آن موثر نبود. در بعد یافته های کیفی، آزمودنی ها مفهوم	

ردیف	عنوان مقاله	سال	نویسنده	اهداف / موضوع	فرضیه ها	نظریه	روش و ابزار	نوع و تعداد پرسشنامه و مصاحبه	نتایج	پیشنهادات
۶	کودکان و نوجوانان ۷ تا ۱۴ ساله		باقر غباری بناب	وضعیت اقتصادی و اجتماعی کودکان و نوجوانان با برداشت از مفهوم خدا یافتن مراحل تحول معنوی در آنها.	نوجوانان از مفهوم خدا در مؤلفه های مختلف آن در یک جهت حرکت میکنند و در موازات هم میباشند. / جنس آزمودنیها رابطه مستقیم و مثبتی با برداشت از مفهوم خدا دارد.	برداشت از مفهوم خدا لارسن،)	/ روش مصاحبه و آزمون برداشت از مفهوم خدا لارسن (۱۹۶۵) و آزمون نگهداری ذهنی مقدار و وزن	آموزان ۷-۱۴ ساله منطقه شمال و جنوب تهران در مدارس ابتدایی و راهنمایی (۸۰ دختر، ۸۰ پسر)	خدا را با متغیرهای تحول شناختی درک می کنند، آموزش و نگرش والدین در برداشت از مفهوم خدا موثر است و یافته مختص این پژوهش آن بود که کودکان در راه شناخت خداوند از چهار مرحله عبور می نمایند: مرحله عینی (۷ الی ۸ سالگی)، مرحله بین بینی (۹ الی ۱۰ سالگی)، مرحله واقع نگری (۱۱ الی ۱۲ سالگی)، و مرحله انتزاعی (۱۳ سالگی به بالا).	
۷	مطالعه چگونگی نهادینه کردن نمازخوانی فرزندان نوجوان توسط والدین: ارائه مدل مطلوب با رهیافت گراند تئوری	۱۳۹۸	/ سمیه غلامی، مختار ذاکری، فاطمه زینلی /	بررسی شیوه های تقویت و تعمیق فرهنگ نماز در فرزندان		کیفی، از نوع تئوری زمینه ای / مصاحبه عمیق نیمه ساختاریافته	۲۵ نفر از والدین موفق در امر نمازخوان نمودن فرزندان مقطع متوسطه دوم	شرط لازم جهت جذب فرزندان به نماز داشتن عزمی راسخ برای تربیت دینی فرزندان است. این شرط کلی، در برگزیده عوامل زمینه ساز از قبیل ایجاد نگرش دینی در زندگی، الگوسازی، یکسانی عقیده و رفتار و ارتقای رشد شخصی است. راهبردهای مورد استفاده والدین در گستره ای از اقداماتی قبل از تولد، تا اقدامات قبل از سن تکلیف، اقدامات حین و بعد از سن تکلیف فرزندان قرار می گیرد. جهت کنترل متغیرهای مداخله گر در مسیر تربیت، اتخاذ سبک والدگری مثبت و موثر، کسب مهارت های حل مسئله و ایمن سازی محیط از جمله اقدامات کارآمد والدین است. در مجموع نمازخوان شدن فرزندان در مرحله اول مستلزم برنامه ریزی، مطالعه و پیگیری دقیق مرحله به مرحله والدین است.	والدینی هم هستند که قصد نمازخوان نمودن فرزند را داشته اند ولی فرزند سرپیچی نموده است. مطالعه دلیل شکست تربیتی این گروه نیز می تواند ارزش پژوهشی داشته باشد. و از آنجاییکه جامعه پژوهش حاضر محدود به شهرستان است که امکان کنترل و نظارت بر فرزندان زیاد است، تعمیم نتایج به دیگر جوامع با احتیاط باید همراه باشد.	
۸	پیش بینی هویت دینی فرزندان براساس الگوهای تعاملی خانواده، دینداری والدین و تفکر انتقادی نوجوان	۱۳۹۸	/ رضائیان حمید، توتونچی بهاره	پیش بینی هویت دینی فرزندان از طریق متغیرهای الگوها ارتباطی خانواده، دینداری والدین و گرایش به تفکر انتقادی نوجوان		توصیفی و به لحاظ رابطه بین متغیرها از نوع همبستگی / جهت جمع آوری داده ها، پرسشنامه مذهبی بودن والدین (گرنکوویست، ۱۹۹۸)، الگوهای ارتباطی خانواده، (ریچی و فیتز پاتریک، ۱۹۹۰). گرایش به تفکر انتقادی (ریکس، ۲۰۰۳) و هویت دینی (لطف آبادی، ۱۳۸۱)	۴۴۷ نفر از دانش آموزان دختر رشته های علوم انسانی، ریاضی و تجربی، اول و دوم دبیرستانهای دولتی	نتایج نشان داد که به ترتیب متغیرهای دینداری پدر، بعد خلاقیت از تفکر انتقادی نوجوان، نگرش مذهبی مادر و جهت گیری گفت شنود از الگوی ارتباطی خانواده توان پیش بینی هویت دینی فرزندان را دارد. سایر متغیرها شامل بعد کمال و تمهد از متغیر تفکر انتقادی و بعد جهت گیری همنوایی وارد معادله نگردید.	بررسی رابطه ابعاد هویت دینی (اعتقادی، عاطفی و رفتاری یا مناسکی) با انواع هویت (زودرس، دیررس، موفق و سردرگم) در مطالعه ای مستقل / نقش الگوهای ارتباطی والدین با شکل گیری ابعاد هویت دینی مورد بررسی و مطالعه قرار گیرد.	
۹	پیش بینی میزان دینداری نوجوانان	۱۳۹۴	حسینی فریده سادات*	پیش بینی دینداری دانش	میزان دینداری والدین و الگوهای	دارد (خودتعیین گری)	تحقیقات همبستگی	۳۸۲ نفر از دانش آموزان دوره های راهنمایی و	دینداری پدر و مادر پیش بین مثبت و معنی داری برای اغلب ابعاد دینداری دانش آموزان بود. الگوی گفت و شنود پیش بین مثبت و معنی	منابع جامعه پذیری دینی (پدر، مادر، دوستان و همسالان، مدرسه، رسانه ها)



ردیف	عنوان مقاله	سال	نویسنده	اهداف / موضوع	فرضیه ها	نظریه	روش و ابزار	نوع و تعداد پرسشنامه و مصاحبه	نتایج	پیشنهادات
	بر اساس دینداری والدین و الگوهای ارتباطی خانواده		جمشیدی سلوکلو بهنام، مزیدی محمد	آموزان دوره های راهنمایی و دبیرستان شهر شیراز بر اساس دینداری والدین و الگوهای ارتباطی خانواده	ارتباطی آن ها به صورت تعاملی بر دینداری فرزندان تاثیر گذار است.			دبیرستان شهر شیراز (۱۶۰ دختر و ۲۲۲ پسر) / پرسشنامه دینداری (گلاک و استارک ۱۹۶۵) / پرسشنامه تجدید نظر شده الگوهای ارتباطی خانواده (کوثرنر و فیتزپاتریک ۱۹۶۵) و پرسشنامه محقق ساخته دینداری پدر و مادر	داری برای اغلب ابعاد دینداری دانش آموزان بود. الگوی همناوی برای اغلب ابعاد دینداری، پیش بین معنی دار نبود و تنها برای بعد مناسکی پیش بین منفی و معنی دار بود. تعامل دینداری پدر و الگوی ارتباطی گفت و شنود پیش بین مثبت و معنی دار برای اغلب ابعاد دینداری بود. دینداری مادر در پیش بینی دینداری مناسکی دختران و دینداری پیامدی پسران با بعد همناوی تعامل داشت و به طور منفی آنها را پیش بینی می کرد. دینداری پدر و مادر عمدتاً در گروه دختران توانایی پیش بینی ابعاد مختلف دینداری داشت. بعد همناوی اغلب در گروه دختران پیش بین منفی ابعاد دینداری بود. بعد گفت و شنود اغلب دینداری دانش آموزان پسر را به طور مثبت پیش بینی می کرد.	دختران و پسران به تفکیک بررسی گردد تا مشخص شود در هر گروه چه عواملی بیشترین تاثیر را بر میزان دینداری دارند. دلایل تاثیرگذاری الگوهای ارتباطی والدین بر دینداری فرزندان نیز نیازمند بررسی و تعمق بیشتر است و لازم است مشخص شود الگوهای ارتباطی خانواده از طریق چه سازوکارهایی تاثیر خود را بر دینداری فرزندان اعمال می کنند. مثلاً میزان رضای نیازهای اساسی روانشناختی به عنوان یکی از واسطه های احتمالی بررسی شود.
۱۰	بررسی فرصتها و تهدیدهای ناشی از گسترش فناوری اطلاعات در تربیت دینی دبیرستانهای پسرانه شهر اصفهان	۱۳۹۳	سید محمد جواد هاشمی، محمدرضا نیلی، محمدرضا نیستانی	تعیین فرصتها و تهدیدهای ناشی از گسترش فناوری اطلاعات در سه حیطه شناختی، عاطفی و رفتاری تربیت دینی دانش آموزان دبیرستان های پسرانه شهر اصفهان	۱. تهدیدها و فرصتهای ناشی از گسترش فناوری اطلاعات در گستره شناختی / عاطفی / رفتاری تربیت دینی دانش آموزان دبیرستانهای پسرانه شهر اصفهان کدام است؟	توصیفی - پیمایشی / روش نمونه گیری تصادفی طبقه ای / پرسشنامه محقق ساخته، شامل ۴۶سوال	ندارد (در حد پیشینه و تعریف مفاهیم)	۲۵۴ نفر از دبیران درس دین و زندگی، مربیان و پرورش و مشاوران این دبیرستان ها	در تربیت دینی دانش آموزان، مهمترین فرصتها در حیطه شناختی؛ کیفیت بخشی به تربیت دینی با ایجاد شناخت نسبت به ابعاد آن، در حیطه عاطفی تقویت ایمان به ارزشها و آموزه های دینی و در حیطه رفتاری، غنی سازی اوقات فراغت دانش آموزان است و مهمترین تهدیدها در حیطه شناختی، فروکاستن از ارزش های دینی در نظر دانش آموزان، در حیطه عاطفی، نسبی و سلیقه ای تلقی کردن ارزشهای اخلاقی و در حیطه رفتاری، ایجاد شکاف میان رفتارهای دانش آموزان و آموزه های قرآن و اهلیت(ع) است.	مسئله، وارد کردن یا نکردن فناوری اطلاعات به جریان تربیت دینی دانش آموزان نیست؛ بلکه چگونگی بهره گرفتن از این قدرت برای تربیت مناسب، پاسخگو و اثربخش برای همه در هر زمان و مکان است / راهکارهای ذیل پیشنهاد میشود: لزوم فرهنگ سازی؛ تولید و ارائه محصولات رسانه ای در حوزه تعلیم و تربیت به منظور غنی سازی اوقات فراغت دانش آموزان؛ روشهای فعال تدریس؛ تهیه محتوای مناسب؛ دقت در برنامه ریزی سیاستگذاری؛ نگرش سیستمی به تربیت دینی.
۱۱	بررسی رابطه بین انعطاف پذیری خانواده و دینداری و سلامت روان در بین نوجوانان خانه گریز و عادی	۱۳۹۲	میترا نقی پور قزلبچه*، راضی فتحی	بررسی رابطه بین انعطاف پذیری خانواده، دینداری و سلامت روان در بین نوجوانان خانه گریز و عادی	ضرورت ارتباط عاطفی مناسب و همچنین توجه به معنویت و دینداری در درون خانواده	کاربردی از نوع علی-مقایسه ای / نمونه گیری تصادفی / سه پرسشنامه انعطاف پذیری خانواده، عمل به باورهای دینی و سلامت روان	ندارد	۶۰ نوجوان عادی و ۶۰ نوجوان خانه گریز دختر و پسر با میانگین سنی ۱۸ سال	بین انعطاف پذیری خانواده، دینداری و سلامت روان در بین نوجوانان، رابطه معناداری وجود دارد. به طوری که نوجوانانی که دارای خانواده انعطاف پذیر و دیندار بودند از سلامت روانی بالاتری برخوردار بودند و همچنین تفاوت معناداری بین نوجوانان خانه گریز و عادی از لحاظ انعطاف پذیری خانواده، دینداری و سلامت روان مشاهده شده است.	

ردیف	عنوان مقاله	سال	نویسنده	اهداف / موضوع	فرضیه ها	نظریه	روش و ابزار	نوع و تعداد پرسشنامه و مصاحبه	نتایج	پیشنهادات
۱۲	الگوی ساختاری روابط بین ادراک از دینداری والدین و دینداری فرزندان با توجه به نقش میانجیگری سبک دلبستگی، ویژگی‌های شخصیتی و سبک	۱۳۹۸	حمیده قاسمی* اسماعیل هاشمی	تیبین سبک میانجی گر سبک دلبستگی ایمن، ویژگی‌های شخصیتی صداقت- فروتنی، همسازی و وظیفه شناسی و سبک فرزندپروری اقتدارگرا در رابطه بین ادراک از دینداری والدین با دینداری فرزندان	فرضیه ها: ۱. ادراک از دینداری والدین به طور مستقیم با دینداری فرزندان رابطه دارد ۲. ادراک از دینداری والدین از طریق میانجیگری سبک دلبستگی ایمن فرزندان، ویژگی شخصیتی صداقت و فروتنی فرزندان، وظیفه شناسی فرزندان، همسازی فرزندان و سبک فرزند پروری اقتدارگرای والدین با دینداری فرزندان رابطه دارد.	روش و ابزار: همبستگی با استفاده از روش تحلیل معادلات ساختاری / ۶۰۰ دانشجوی / روش نمونه گیری تصادفی چند مرحله ای / پرسش نامه جهت گیری مذهبی با تکیه بر اسلام (آذربایجانی)، مقیاس سبک دلبستگی (کولینز و رید)، شخصیت هگزاکو (اشتن و لی) و ابعاد و سبک های فرزندپروری (رابینسون و همکاران)	ادراک از دینداری والدین به صورت مستقیم و غیر مستقیم بر دینداری فرزندان اثر می گذارد. همچنین ویژگی های شخصیتی صداقت- فروتنی، همسازی و وظیفه شناسی به عنوان متغیر میانجی گر بر دینداری فرزندان تاثیر دارد. رابطه ادراک از دینداری والدین و دینداری فرزندان از طریق سبک دلبستگی ایمن و سبک فرزندپروری اقتدارگرا معنا دار نشد. از آنجا که ویژگی های شخصیتی می تواند نقش واسطه ای را بین ادراک از دینداری والدین و دینداری فرزندان ایفا کند، لزوم توجه به این متغیرها در حوزه دینداری ضرورت دارد.	یکی از محدودیت های پژوهش های دینداری در ایران، فراهم نبودن ابزارهای بومی مطابق با فرهنگ غنی اسلامی است که طراحی آنها مطابق با آموزه ها و روایات و اعتباریابی آنها، گام مهمی در اغتلاقی شناسایی عوامل موثر بر دینداری و سرمایه گذاری مطابق آنها، هماهنگ با فرهنگ بومی کشور است.		
۱۳	گونه شناسی دینداری جوانان شهر اصفهان	۱۳۹۳	آرش حسن پور* ، علیرضا شجاعی زند	بررسی رایج ترین گونه های دینداری و توزیع فراوانی آن در بین جوانان شهر اصفهان است.	سنت نظریه زمینه ای/با توجه به اهمیت نهاد دین در ایران؛ تلون و تنوعی که در نفس پدیده دینداری به عنوان امری انسانی-اجتماعی وجود دارد و تغییراتی که در کیفیات دینداری در سال های اخیر پدید آمده گونه شناسی دینداری مساله مهمی است. در حقیقت این مطالعه با پذیرفتن این پیش فرض که دینداری امری متنوع، متکثر و فارغ از دو قطبی دیندار یا بی دین بودن افراد است و در واقع ما با "دینداری ها" و نه "دینداری" مواجهیم، / سوالهای پژوهش: ۱-انواع دینداری در بین جوانان شهر اصفهان کدام است؟ ۲-چه نقدی می توان به مطالعات گونه شناسی دینداری داخلی داشت؟ ۳- مبنای منطقی مناسب برای گونه شناسی دینداری کدام است؟	ترکیبی (کیفی و کمی) / تحلیل خوشه ای / برای نیل به گونه شناسی معتبر و دقیق از چارچوب منطقی و روشی "بیلی" استفاده شده / مراحل: ۱- مرور و واری انتقادی تحقیقات گذشته در پرتو مبانی و منطق گونه شناسی و برخی اصول روش شناختی ۲-اجرای یک مطالعه اکتشافی کیفی با استفاده از تکنیک مصاحبه نیمه ساخت یافته و با اتکا بر دستاوردهای حاصل از استقرای تحقیقات پیشین. ۳-رهنمون شدن به الگویی از دینداری با استفاده از نتایج حاصل از مصاحبه ها ۴-تعریف و عملیاتی سازی گونه های شناسایی شده در مطالعه کیفی، تدوین پرسشنامه و اجرای پیمایش بر روی نمونه مورد نظر با کمک مبانی قیاسی و منطقی	یافته های کیفی پژوهش، به شناسایی انواع هشت گانه دینداری منجر گردید. نتایج این مطالعه بیانگر آن است که با تاکید بر معیار «توجه تام بر ابعاد دینداری» می توان به انواع «عبادی»، «مناسکی»، «فقهی» و «توسلی» و با تاکید بر معیار «خودتشخیصی» فرد نیز می توان به انواع «خودمرجع»، «ترکیبی»، «قلب پاک» و «اخلاق گرا» اشاره نمود. همچنین، یافته های کمی پژوهش نشان داد که انواع «مناسکی»، «عبادی»، «فقهی»، «اخلاق گرا»، «قلب پاک»، «توسلی»، «خودمرجع» و «ترکیبی»، به ترتیب، برجسته ترین انواع دینداری را در بین جوانان شهر اصفهان تشکیل می دهند. علاوه بر این، استفاده از تکنیک تحلیل خوشه ای و رسیدن به دو نوع دینداری کلی (دینداری تام و دینداری خودتشخیصی) و انواع ذیل آن، الگوی گونه شناسی کیفی پژوهش را تایید کرد.	بررسی رایج ترین گونه های دینداری و توزیع فراوانی آن در بین جوانان شهر اصفهان است.		
۱۴	مطالعه وضعیت دین ورزی جوانان با تاکید بر دینداری خودمرجع (ارائه)	۱۳۹۴	آرش حسن پور* ، ثریا معمار	به شناسایی و تفسیر نوع خاصی از دینداری در بین جوانان شهر اصفهان پرداخته است.	سنت نظریه زمینه ای/چارچوب مفهومی این مطالعه شامل مفهوم دینداری، نظریات زیمل درباره دینداری در عصر حاضر و متفکرانی نظیر هریولوه، روزانوالن، تیلور و برگر در مورد کیفیات و تغییرات دینداری در عصر حاضر است. این مفاهیم همانگونه که در سنت کیفی متداول	روش کیفی، رویکرد تفسیری، سنت نظریه زمینه ای و ابزار مصاحبه نیمه ساخت	نتایج یافته های کیفی تحقیق، بیانگر آن است که می توان با تاکید بر معیار «خودتشخیصی» فرد دیندار به نوعی خاص از دینداری تحت عنوان دینداری «خودمرجع» اشاره کرد. نتایج این مطالعه و بررسی یافته های کیفی همچنین گویای آن است که دینداری جوانان در این سنخ، بدل به امری شخصی، غیرالزام	نتایج یافته های کیفی پژوهش، بیانگر آن است که می توان با تاکید بر معیار «خودتشخیصی» فرد دیندار به نوعی خاص از دینداری تحت عنوان دینداری «خودمرجع» اشاره کرد. نتایج این مطالعه و بررسی یافته های کیفی همچنین گویای آن است که دینداری جوانان در این سنخ، بدل به امری شخصی، غیرالزام		

پیشنهادات	نتایج	نوع و تعداد پرسشنامه و مصاحبه	روش و ابزار	نظریه	فرضیه ها	اهداف / موضوع	نویسنده	سال	عنوان مقاله	ردیف
	آور، خصوصی، سلیقه ای، گزینشی، مبتنی بر تعقل، خرد فردی و همراه با نپذیرفتن دگرسالاری نهادهای دینی شده است و به سمت امری اقتضایی و لذت گرایانه سیر می کند.		یافته و در پرتو الهامات نظری زیمل		است صرفاً ی راهنمای عملی و لنز نظری است و پژوهش تمهد نظری بدان ندارد.				یک نظریه زمینه (ای)	
	یافته های پژوهش حاکی از تمایز بین دو رویکرد، در توصیف و تبیین میانی و ریشه های اولیه دینداری است. از منظر روان شناختی، ریشه های اولیه دینداری ناشی از برآیند تجارب کودک با محیط پیرامونی است. از منظر اسلام نیز، ریشه های اولیه دینداری را باید در فطرت به معنای عشق به خیر و سعادت مطلقه پی جویی کرد، برآیند تجارب کودک با محیط پیرامونی، تنها زمینه رشد یا انحراف از فطرت را فراهم می کند. در زمینه چگونگی شکل گیری دینداری، وجه تشابه دو دیدگاه، تاکید بر ایجاد محیط زیست امن، پویا و پاسخ گو برای رشد مطلوب دینداری است. هر دو دیدگاه، بر ثبت تجارب کودک- والدین در نظام روانی کودک و تاثیر این تجارب بر دینداری در آینده تاکید دارند.		تطبیقی	فولر، اریکسون و کیرک	سوال پژوهش: تفاوتها و شباهت های دو رویکرد روان شناختی و اسلامی در توصیف و تبیین رشد دینداری در اوایل کودکی چیست؟ / در ماهیت ریشه های اولیه دینداری؟ / در چگونگی شکل گیری ریشه های اولیه دینداری؟ در ثبت تجارب دوره اوایل کودکی در نظام روانی کودک؟ در تاثیر برآیند تجارب ثبت شده در اوایل کودکی بر دینداری در سنین بالاتر؟	دستیابی به شناختی عمیق تر و چند وجهی "رشد دینداری در اوائل کودکی" از منظر روان شناختی و اسلامی	محمود نوذری	۱۳۹۵	رشد دینداری در اوائل کودکی: رویکردی روانشناختی اسلامی	۱۵

## ۴- مروری بر مطالعات انجام شده در مورد دینداری:

### ۴-۱- مقایسه رویکرد اسلامی و روانشناختی:

نوذری (۱۳۹۵) در مطالعه ای تطبیقی به بررسی شناخت عمیق تر و چند وجهی از "رشد دینداری در اوائل کودکی" از منظر روان شناختی و اسلامی پرداخت. مطالعات روانشناختی رشد دینی، حوزه ای از مطالعات موضوعات دینی است که در آن، تغییرات در درک معارف دینی را در چارچوب نظریه های روان شناسی رشد بررسی می کند؛ در این مطالعات، نشان داده می شود که فهم و عواطف انسان از مفاهیمی نظیر خدا، صفات او، ایمان، دعا، مسجد و معاد در طول زندگی، با نظر به فرایندهای روانشناختی اساسی چگونه تغییر می کند. (رولکپارتین و همکاران، ۲۰۰۶، ص ۹-۱۰). از سوی دیگر، در متون اسلامی نیز مباحثی مطرح شده است که می تواند به تبیین ما از رشد دینداری، به ویژه در دوره طفولیت کمک کند و ما را به درکی کامل تر از رشد دینداری در کودکی و چگونگی شکل گیری ریشه های اولیه آن رهنمون سازد. یافته های مشترک دیدگاه های فولر، اریکسون و کیرک پاتریک را درباره ی مبانی و ریشه های دینداری چنین خلاصه می شود (اختلاف دیدگاه ها در تبیین ها آشکار می شود):

الف. مبانی و ریشه های ایمان، به منزله برآیندی از همه تجارب ثبت شده در نظام روانی کودک است که دارای ریشه فطری و اکتسابی است؛

ب. شکل گیری مبانی و ریشه های اولیه ایمان، از طریق تعامل والدین و ارزش های محیط فرهنگی- اجتماعی- تاریخی با نیاز کودک به تغذیه، نظافت و پذیرش توأم با گرمی و عطوفت رخ می دهد؛

ج. نتیجه تعامل محیط با کودک، در نظام روانی کودک ثبت و ضبط می شود. این امر به ایجاد آرامش، امنیت و اعتماد و یا بعکس به عدم آرامش، امنیت و اعتماد می انجامد؛

د. برآیند تجارب ثبت شده در نظام روانی کودک، در سنین بالاتر در قالب نگرش ها، افکار و گزینش های او ظاهر می شود؛

هـ. ایمان به خدا و دینداری به دلیل مشابهت با سایر افکار و نگرش ها و یا به این دلیل که محتوای توصیف شده آن، به وسیله ادیان با محتوای رفتار دلبستگی مشابهت دارد، از تجارب دوران کودکی تأثیر می پذیرد.

جدول زیر پاسخ دو رویکرد را به پرسش های اساسی مطرح درباره «رشد دینی در اوایل کودکی» نشان می دهد. با مقایسه پاسخ ها، که در ستون اول و دوم جدول آمده، وجوه تفاوت و شباهت های دو رویکرد روشن می شود:

رویکرد روانشناختی	رویکرد اسلامی	رویکردها
		ابعاد مورد مقایسه
<ul style="list-style-type: none"> <li>- اثر به جامانده از رفتار دلبستگی در سیستم شناختی- هیجانی و رفتاری کودک</li> <li>- ساختار معنایی و نظام ارزشی ثبت شده والدین در نظام روانی کودک</li> <li>- تصاویر به جا مانده از رخداد های فرهنگی- تاریخی و تعامل والدین</li> </ul>	<p>ریشه دینداری فطرت به معنای «عشق به کامل مطلق و خیر و کمال مطلق» است که خداوند آن را در وجود انسان به ودیعه نهاده است. کودک با این ظرفیت پا به این دنیا می گذارد و این ظرفیت امکان تحول انسان را - در طول زندگی در این دنیا- در دو چهره انسان سعید و انسان شقی فراهم می کند.</p>	مقصود از ریشه های اولیه دینداری

رویکرد روانشناختی	رویکرد اسلامی	رویکردها
		ابعاد مورد مقایسه
ریشه های اولیه دینداری از طریق تعامل والدین و ارزش های محیط فرهنگی - اجتماعی - تاریخی، با نیاز کودک به تغذیه، نظافت و پذیرش توأم با گرمی و عطوفت شکل می گیرد.	<ul style="list-style-type: none"> <li>- تعامل والدین - کودک از طریق محبت کردن، عدم واکنش تند در برابر رفتار نامطلوب کودک و عدم تأخیر در پاسخ گویی به نیاز کودک</li> <li>- فطرت، شخصیت همسر، شیرزنی که کودک از آن تغذیه می کند و اجتناب از کسب حرام</li> </ul>	<p>چگونگی شکل گیری ریشه های اولیه دینداری</p>
تعامل محیط با کودک در نظام روانی کودک ثبت و ضبط می شود و در سنین بالاتر، در قالب نگرش ها، افکار و گزینش های او ظاهر می شود؛ ایمان به خدا و دینداری نیز یا از این جهت که مشابه سایر افکار و نگرش هاست یا از این جهت که محتوای توصیف شده آن به وسیله ادیان با محتوای رفتار دلبستگی مشابهت دارد، از تجارب دوران کودکی تأثیر می پذیرد.	<ul style="list-style-type: none"> <li>- ثبت واکنش توأم با آرامش با tendy والدین در نظام روانی کودک</li> <li>- اثر برخی تعاملات خاص بر سعادت و شقاوت کودک</li> <li>- ماندگاری اثر کسب از حرام بر رشد فرزندان</li> <li>- تأثیر ویژگی ها و خلقیات و مذهب زنی که به کودک شیر می دهد بر رشد مذهبی، شناختی، اخلاقی</li> <li>- تأثیر ویژگی های همسر بر رشد کودکان</li> <li>- تأثیر احتمالی تلقین اذکار و آموزش آن بر دینداری</li> </ul>	<p>ثبت اثر برابند تجارت والدین - کودک و تأثیر گذاری بر دینداری در سنین بالا</p>

تشابه دو رویکرد در این است که اولاً، هر دو رویکرد بر تعامل مطلوب کودک - والدین تأکید دارند. از والدین می خواهند که محیط زیستی ایمن، پاسخ گو و پویا برای کودک فراهم کنند. ثانیاً، بر ثبت و ماندگاری اثر تعامل والدین در نظام شناختی - هیجانی کودک تأکید دارند. ثالثاً، معتقدند که اثر تجارب دوران کودکی، در شکل دهی و هویت بخشی به دینداری مؤثر است. تفاوت ها عبارتند از: اولین تمایز در مقصود از ریشه های اولیه دینداری ظاهر می شود. از منظر روان شناختی، ریشه های دینداری را باید در اثر بجا مانده از رخدادهای تاریخی - فرهنگی جست و جو کرد. ولی از منظر اسلامی ریشه های دینداری را باید در فطرت به معنای «عشق به کامل مطلق و خیر و کمال مطلق»، که خداوند آن را در وجود انسان به ودیعت نهاده است، جست و جو کرد؛ کودک با این ظرفیت (فطرت) پا به این دنیا می گذارد. این ظرفیت، امکان تحول انسان را - در طول زندگی در این دنیا - در دو چهره ی انسان سعید و انسان شقی فراهم می کند. دومین تفاوت به چگونگی شکل گیری دینداری مربوط می شود. از منظر اسلامی، علاوه بر تأثیر کیفیت مطلوب تعامل والدین - کودک بر دینداری، عوامل دیگری نظیر فطرت، شخصیت همسر، شیرزنی، که کودک از آن تغذیه ی کند. پیام های شنیداری خاص، اجتناب از کسب حرام، بر چگونگی شکل گیری شخصیت و دینداری تأثیر گذار است. سومین تفاوت، به تفاوت در تبیین ها درباره چگونگی تأثیر اثر تجارب اوائل کودکی بر دینداری، در سنین بالاتر مربوط می شود: روانشناسان، سه تبیین متفاوت را با استفاده از نظریه دلبستگی، نظریه روان تحلیلی و مفاهیم پیازه ای درباره چگونگی تأثیر تجارب دوره کودکی در سنین بالاتر ارائه می کنند. در حالی که تبیین های از این دست در متون اسلامی دیده نمی

شود. از نگاه اسلامی، ویژگی های شخصیتی همسر یا اثر شیر از طریق ارثی (تأثیر ژن ها) است که بر دینداری در سنین بالاتر تأثیر گذار است.

این پژوهش نشان می دهد که یافته های دو رویکرد روان شناختی و دینی، در عین حال که با هم تفاوت دارند، اما متعارض نیستند. از این رو، این یافته ها می توانند به عنوان مکمل یکدیگر در نظر گرفته شوند. در نتیجه، شناختی عمیق تر از موضوع مورد بررسی ارائه شود: از یک سو، تبیین های روان شناختی - در چارچوب نظریه های دلبستگی و روان تحلیل گری و مفاهیم پیازه ای - درباره چگونگی تأثیر برآیند تجارب دوره طفولیت، می تواند به فهمی عمیق تر از آموزه های اسلامی، ناظر به این مقطع سنی کمک کند. به عنوان نمونه، با استفاده از تبیین های روان شناختی می تواند تأکید ائمه را بر سرعت در پاسخ گویی به نیازهای کودک یا عدم واکنش تند در دوره طفولیت، یا محبت کردن از طریق در آغوش گرفتن، بر دامان نشانیدن، بوسیدن، نوازش کردن، نگاه با محبت، شدت اظهار علاقه زبانی و بوسیدن را به شیوه علمی و مورد پذیرش در مجامع علمی توضیح داد. حتی اهتمام به عمل کردن به مفاد آنها را در مخاطبان افزایش داد.

## ۲-۴- گونه های دینداری:

کنت بیلی معتقد است، طبقه بندی به عنوان دسته بندی موجودات و پدیده ها به گروه ها، دسته ها و طبقه ها بر اساس شباهت هایشان تعریف می شود. گونه شناسی شیوه ای برای طبقه بندی رویدادها، کنش ها و اشیا به گروه های متمایز است. هدف گونه شناسی به طور کلی شناسایی مشابهت ها، الگومند ساختن آنها و مشخص نمودن رابطه بین الگوها در میان گستره ای از تنوع ها و تفاوت ها بر اساس معیار و ملاکی یکسان و پذیرفته شده است. دو خصیصه که گونه شناسی را از طبقه بندی های عمده متمایز می نماید گونه شناسی مفهوم مدارانه و معیارمند است؛ بدین معنا که معیاری مفهومی، ملاک تمیز و تفکیک گونه ها از یکدیگر است.

نتایج مصاحبه های عمیق با جوانان دیندار شهر اصفهان توسط حسن پور و شجاعی (۱۳۹۳) نشان داد که در نگاه نخست، هشت نوع دینداری قابل تفکیک و تمایز از یکدیگرند. سپس، این هشت گروه با استفاده از تحلیل خوشه ای، انتزاعات مفهومی و ساخت دو نوع آرمانی، به دو نوع کلی تر دینداری تخصیص داده شد. این دو گونه دینداری بدین قرارند: «دینداری تام» و «دینداری خودتشخیصی». دینداری تام، دینداری افرادی است که به طور همزمان و با توجه و اهتمامی کم و بیش یکسان، صور عبادی، مناسکی، فقهی و توسلی را در دینداری خود پی گرفته، به دینی مشخص (اسلام) التزام و پایبندی داشته و بر مؤلفه هایی همچون، تبعیت از دستورهای خدا و ائمه، پرداخت به عبادات واجب و مستحب، تمایل برای حضور در مناسک جمعی، لزوم پیروی از مرجع تقلید و نیاز به رابطه و توسل به ائمه و بی نیازی از ادیان، فرق و آیین های عرفانی و شبه عرفانی دیگر تأکید دارند. هشت گونه دینداری عبارتند از:

۱. دینداری عبادی: نوعی دینداری است که در آن فرد، به عبادت های واجب دینی، همچون نماز و روزه اهتمام و بر الزام آور بودن آن تأکید ویژه دارد.

۲. دینداری مناسکی: در این نوع دینداری، فرد دیندار، تمایل و اهتمام خاصی برای شرکت در عبادات جمعی مانند نماز جماعت حضور در هیأت، تکایا، دسته جات مذهبی، مساجد و حسینیه ها دارد.

۳. دینداری فقهی: نوعی دینداری است که افراد، قائل به تقلید در فروع و احکام دین از مراجع تقلید هستند.

۴. دینداری خود مرجع: دینداری افرادی است که فرد بر مؤلفه‌هایی مانند فردیت و تشخیص فردی اهمیت زیادی قائل می‌شود. این سنخ، دین را بر اساس قرائت شخصی خود، تفسیر و تأویل کرده و بر همین اساس برخی احکام، دستورات و اجزای دین را پذیرفته و برخی را رد کرده و دست به گزینش‌هایی می‌زنند. این سنخ همچنین، اعتقادی بر تقلید و داشتن مرجع تقلید ندارند.

۵. دینداری قلب پاک: این سنخ دینداری را امری قلبی و درونی دانسته و بر داشتن نیت و باطنی پاک و خالص تأکید کرده، همین را برای دیندار دانستشان کافی می‌دانند. نکته حائز اهمیت در مورد این نوع دینداری آن است که این گونه بر قلب پاک در عین بی‌نیازی به شریعت، عبادت و واجبات دینی تأکید دارند (عدم التزام).

۶. دینداری اخلاق‌گرا: نوعی دینداری است که افراد واجد آن، بر اصول اخلاقی، داشتن وجدان، انسانیت، خوب بودن و همزیستی مسالمت آمیز تأکید می‌کنند. این سنخ، اخلاق را بر رعایت احکام شرعی و فقهی در اولویت می‌دانند.

۷. دینداری توسلی: دینداری افرادی است که همواره به ائمه چهارده معصوم متوسل شده، نیازها و احتیاجات خود را از رهگذر آنان دنبال می‌نمایند. در زمینه توسل به ائمه، جوانان دیندار، ائمه را به مثابه واسطه فیض، واسطه حل مشکلات زندگی و تسهیل کننده ارتباط با خدا می‌دانستند.

۸. دینداری ترکیبی: نوعی دینداری است که در آن افراد به مثابه جستجوگران فعال از سر کنجکاوی، در ادیان، مذاهب و گرایش‌های عرفانی غور کرده، به دنبال اموری نو در کنار دین مستقر قلبی خود هستند. در این نوع دینداری افراد به معنویت‌های جدید گرایش داشته، در کلاس‌های عرفان شخصی شرکت می‌کنند و سعی دارند این سامان اعتقادی و معنابخش را در کنار دینداری متعین پیشینی خود به پیش ببرند. این سنخ، نسبت به ادیان دیگر گشودگی شناختی دارند و قائل به ترکیب اصول ادیان مختلف هستند و از نظر آنان این دو سامان معنابخش (دینداری خاص پیشینی و معنویت جدید) با هم منافاتی ندارند.

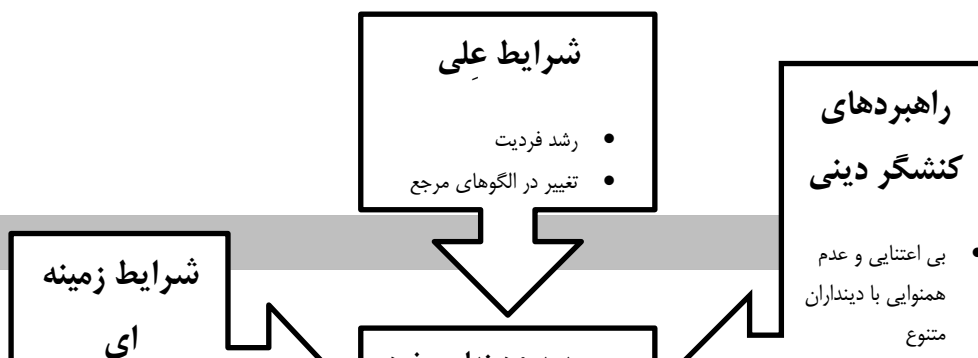
نتایج یافته‌های کیفی و کمی این پژوهش نیز تأیید کننده این خنجره است که دینداری به طور عام و دینداری جوانان به طور خاص، از فرم و قالب ثابت، یک شکل و بسیط خارج گردیده و به عبارتی، تغییر، تلون و تکثر، جایگزین آن شده است. تکثرگرایی در صورت‌های دینداری در این مطالعه، یادآور نظریه «پیتر برگر» است که معتقد بود، پیامد تکثر در زیست جهان‌ها و البته دسترسی‌های گفتمانی در سطح جمعی، «بازار دین» و در سطح آگاهی‌های ذهنی افراد، انواع سبک‌های دینداری است و این امر به بروز و ظهور سنخ‌های متعدد دینداری منجر گشته است. این تکثر البته، بر چگونگی باورهای دینی اثر دارد تا چیستی آنها.

به طور کلی، یافته‌های این پژوهش بیانگر آن است که ظهور گفتمان‌ها و سبک‌های زندگی جدید و مدرن و در پی آن، برآمدن هویت‌های دینی خود ساخته، سیمای دین داری جوانان را تغییر داده؛ اما به ضرس قاطع می‌توان گفت، دین و دینداری در دهه‌های آینده، همچنان نیروی مهمی خواهد بود و دینداران در شکل دهی نظم اجتماعی و فرهنگ ایرانی،

حضور جدی خواهند داشت (محدثی، ۱۳۹۱). این استنباط و فهم، بار دیگر این کلام برگر (۱۹۹۷)؛ به نقل از سراج زاده، (۱۳۸۴: ۵۶) را به خاطر می آورد که: "کسانی که در تحلیل های خود از امور معاصر، نقش دین را به حساب نمی آورند، با این کار، خود را به مخاطره می اندازند." (حسن پور و شجاعی، ۱۳۹۳).

همچنین حسن پور و معمار در مطالعه دیگری (۱۳۹۴) به شناسایی و تفسیر نوع خاصی از دینداری (خود مرجع) در بین جوانان شهر اصفهان پرداخته اند. مسئله این پژوهش نیز با توجه به اهمیت نهاد دین در ایران و تغییراتی که در کیفیات و صور دینداری در سال های اخیر رخ داده است، مطالعه یکی از گونه های موجود دینداری در بین جوانان شهر اصفهان است. درباره آنکه چرا جامعه آماری این تحقیق بر جوانان متمرکز شده است، باید گفت که طی دهه اخیر فضای اجتماعی- فرهنگی جامعه ایرانی در معرض تحولات بسیار عمیقی قرار گرفته است و یکی از عوامل مؤثر بر این تحولات، بار کمی جوانان یا جوانی جمعیت آن بوده است (فولادی، ۱۳۸۳: ۲۹۲). از سوی دیگر فرهنگ جوانان متأثر از تحولات عمده اجتماعی، فرهنگی و سیاسی شکل گرفته است. (شالچی، ۱۳۸۷: ۹۴). یافته ها در این زمینه به طور کل گویای آن است که هر چند باورها و عواطف دینی در میان جوانان حاضر و با دوام است، اما پذیرش و اجرای تمام ابعاد دینداری نیز از جانب جوانان مورد تردید است (اعظم و توکلی، ۱۳۸۶). همچنین محققاتی مانند ساروخانی و صداقتی فرد (۱۳۸۸) معتقدند که ویژگی های موجود در سبک زندگی نسل جدید، باعث ایجاد ماهیتی نو و متفاوت از دینداری برای نسل نوین شده است؛ بنابراین می توان گفت که در چالش و مناقشات این رویکردها و نگرش ها و مسئله مندی و دینداری جوانان، ضرورت مطالعه و تعمق در دینداری جوانان بیش از پیش عیان و آشکار می شود.

مفهوم یا مقوله «دینداری خود مرجع» به مثابه مقوله هسته، مفهوم است که می تواند کلیه مقولات و مباحث فوق را پوشش دهد و نیز جنبه تحلیلی داشته باشد. در اینجا باید توضیح داده شود که خود مرجع شدن دینداری در بین افراد بدین معناست که در تمام اجزا و عناصر دینداری و ابعاد آن، رگه هایی از تعقل و خرد فردی به همراه قابلیت تشکیک و به چالش کشیدن آموزه های پیشین و الگوهای سابق دین ورزی وجود دارد. این امر نو ظهور در جامعه ایرانی و به طور خاص در بین جوانان شهر اصفهان باعث شده است که تا فرد خود تشخیص دهد و تصمیم بگیرد که با دینداری اش چگونه برخورد کند. در ادامه، این نوع دینداری در جامعه تحت مطالعه در قالب یک مدل پرادایمیک شامل شرایط، فرایند، تعامل و پیامد در شکل زیر ارائه شده است.





مدل فوق‌گویی آن است که دینداری خود مرجع تحت‌تعیینات خاصی شکل گرفته است که آن را در قالب سه بعد شرایطی، تعاملی و پیامدی مورد اشاره قرار داده‌ایم. در خصوص شرایط زمینه‌ای می‌توان گفت که شخصیت‌هایی از سنخ جست و جوگر، آمادگی و تمایل بیشتری برای استقبال دینداری خود مرجع دارند.

یافته‌های این مطالعه نشان داد که صورتی جدید از دینداری در فضای اجتماعی جامعه‌ی ایرانی و به‌طور خاص این قشر اجتماعی شهر اصفهان سربرآورده است. ما در این مطالعه این نوع دینداری را «دینداری خود مرجع» نام نهادیم. این عنوان به‌مثابه یک نمونه آرمانی این قابلیت را دارد که عناوین و گونه‌های خرد دیگر را در خود پوشش دهد و چتر مفهومی خود را بر آنها نیز بگسترده. این نوع دینداری‌انگونه که در چارچوبی کیفی به‌طور کامل تشریح و توضیح داده شد، با خصایصی مانند فردیت، غیرانحصاری و سیال بودن، فقدان مرجعیت، برآمدن سوژه خود تشخیص‌گر و خودآیین، کاهش پایبندی به الزامات دینی و مذهبی، نوآوری‌های جدید در عرصه دینداری، محو واسطه‌ها و نهادها، کم‌رنگ شدن دگرسالاری دینی، گرایش به تجربه و احساس دینی، تعقل و باز تفسیر، ناپایداری، چندوجهی شدن و بی‌شکلی، برجسته و تعریف می‌شود (حسن پور و معمار، ۱۳۹۴).

اما این تحولات، پویایی، تغییرات و برآمدن اشکال حادث و نوپدید دینداری را نباید تحت عنوان افول دینداری در ایران تعبیر و تفسیر کرد. نتایج این مطالعه همچنین حاکی از آن است که اشکال جدید دینداری گرچه موجب ساخت‌شکنی از واقعیت اجتماعی دین شده‌اند و دینداری را از شکل سنتی خود خارج گردانده، انتخاب هویت‌های دینی نو را تسهیل

ساخته و دین ورزی های بی شکل و نوگرایانه را شکل بخشیده اند، اما همانگونه که بر گر نیز تصریح می کند، بروز و ظهور این سنخ ها را بیشتر باید دال و معطوف به چگونگی باورهای دینی دانست تا چیستی آن (۱۳۸۱: ۱۹۴).

در اینجا بار دیگر رجوع به نظریه زیمل اساسی به نظری رسید. زیمل تأکید می کند که با ایجاد تحول در شکل دینداری نباید اینگونه تلقی کرد که افراد دیگر هیچ نیاز دینی ندارند. در حقیقت یکی بنیادی تری معماهای معنوی انسان مدرن امروزی این است که هر چند حفظ دین های سنتی دیگر ممکن نیست، ولی انگیزه دینی وجود دارد و هیچ میزانی از «روشنگری» نمی تواند آن را از بین ببرد؛ زیرا روشنگری صرفاً می تواند جامه بیرونی دین و نه حیات آن را برآید (زیمل، ۱۳۸۰: ۲۴۳) از همین رو، وی معتقد بود که شور و اشتیاق های دینی محو نمی شود، بلکه فقط در پی مسیرها و اهداف دیگری در می آید. در واقع به رغم تحولات و دگرگونی ها، مهم آن است که اشکال نوین دین ورزی، انگیزه دینی را تضعیف نمی کند و جست و جوی امر متعالی، اگرچه در اشکال جدید و نوظهور، توقف نمی یابد و این امر ویژگی جاودانه انسان است. زیمل دینداری را استعداد تقلیل ناپذیر و بنیادی روح می دانست و با رویکردی فردگرایانه به وضعیت و موقعیت دین و دینداری در عصر کنونی پرداخت. وی بر این عقیده بود که دینداری در زمانه معاصر این ظرفیت را دارد که در هیچ قالبی، شکل نگیرد و سیال بماند (باستانی، ۱۳۸۸: ۹۱). بر این اساس زیمل معتقد بود که دینداری و به تبع آن رفتار دینی افراد مبتنی بر نوعی احساس دینی است که می تواند محتوای متفاوتی را در خود جای دهد.

در این پژوهش نیز یافته های کیفی دلالت بر این داشت که دینداری به مثابه یک فرم، به رغم تعدد و تنوعات محتوایی، سیالیت های ریختاری و امتناع از تشکل و تعین پذیری تام، کماکان به عنوان سامانی معنابخش در زیست جهان سوژگان نقش ایفا می کند، اما نکته حائز اهمیت در مورد دینداری جوانان و بالاخص دینداری خود مرجع این سنخ آن است که اینگونه دینداری به بیان زیملی شکل سابق، سنتی و نهادینه دینداری و بعضاً محتوای تاریخی معین آن را کنار (در پرانتز) گذاشته و دینداری را برای خود، شخصی، منعطف، انتخابی و تساهل گرایانه ساخته است و به قول زیمل «زندگی دینی جدید» یا «سبک زندگی جدید دینی» را رقم زده و گونه جدیدی از تدین و دین ورزی را صورت بندی کرده است.

### ۳-۴- عوامل مؤثر بر دینداری:

دینداری از ابعاد مهم زندگی انسان به شما می رود و همواره آثار عمیق و آشکار و نهانی بر عواطف، افکار، رفتارها و تعاملات انسانی داشته است. به همین دلیل، شناخت عوامل مؤثر بر شکل گیری، قوت و ضعف دینداری دارای اهمیت ویژه ای است. در این میان، شماری از دین پژوهان به عوامل خانوادگی و نقش والدین در انتقال ارزش های دینی اهمیت داده اند. نتایج پژوهش ها نشان می دهد که نحوه تعامل والدین با فرزندان سایر ابعاد زندگی افراد را تحت تأثیر قرار می دهد. رشد و تحول دینداری نوجوانان نیز مستثنی از این قاعده نیست (روکپارتین (Roehlkepartain) و همکاران، ۲۰۰۵، ص ۳۴). از سوی دیگر، الگوگیری از دینداری والدین، از دیگر مفاهیم مورد توجه دین پژوهان است. تعاملات روزانه والدین با کودک، فی نفسه فرصت های بی شماری را برای مشاهده و تقلید از والدین، که منجر به توسعه نگرش ها و رفتارهای مشابه در کودک می شود، فراهم می کند. بر اساس پژوهش های انجام شده، الگوی معنوی والدین و یادگیری مشاهده

ای آن، از مکانیسم های مهم دینداری نوجوانان تلقی می شود (بندورا (Bandura)، ۲۰۰۳؛ سیلبرمن (Silberman)، ۲۰۰۳).

با توجه به مدل چهارگانه سبک های دلبستگی بارتولومئو و هاروویتس (Bartholomew & Horowitz) (۱۹۹۱)، افرادی که دلبستگی ایمن به والدین خویش دارند، افزون بر آنکه خودشان را شایسته مراقبت و ارزشمند می دانند، خداوند را نیز در هر شرایطی در دسترس، قابل اعتماد، مراقبت کننده و دلسوز تلقی می کنند. بنابراین، به عنوان یک نماد دلبستگی، جذب او شده و برای اینکه این پیوند برقرار شود، با انجام آیین های دینی مختلف در دین (عقاید، اخلاقیات و احکام)، که راهی برای ایجاد و تداوم بخشیدن به رابطه ی انسان ها با خداوند و نیز نمود و تجلی شوق افراد برای حفظ ارتباط نزدیک با او در شرایط دشوار روحی و روانی است (غباری بناب و همکاران، ۲۰۱۳)، در جهت آن تلاش می نمایند. از یک سو، مدل چهارگانه سبک های دلبستگی، افرادی قرار می گیرند که دارای سبک دلبستگی اضطرابی / دوسوگرا می باشند. این افراد، خویشان را شایسته مراقبت، صمیمیت و قابل پذیرش ادراک نکرده و خودشان را بی ارزش ارزیابی کنند. از سوی دیگر، خداوند را به عنوان یک نگاره دلبستگی در دسترس، قابل اعتماد، مراقبت کننده و دلسوز تلقی می کنند. ترکیب این ویژگی ها موجب می شود تا فرد در جهت دریافت احساس امنیت و پذیرش از سوی خداوند، و غلبه بر اضطراب و نگرانی از طرد شدن، در راستای انجام دادن آداب و رسوم فرقه دینی خود، که در واقع پیوند دهنده و برقرار کننده ارتباط انسان و خداوند هستند، تلاش کند. از این رو، بسیار محتمل است که این افراد ارتباط تازه ای با خداوند پیدا کنند که به لحاظ عاطفی بسیار پایدار باشد (پدیمنت (piedmont)، ۲۰۰۵، ص ۶۴). در این سبک دلبستگی، تصویر منفی از خود، انگیزه ساز روی کردن به خداوند، به عنوان نماد دلبستگی است (کرک پارتیک، ۲۰۰۵، ص ۷۷). برخی پژوهشگران بر این باورند که ارتباط این افراد با خداوند، بیشتر بسته و شخصی است (لوونتال، ۲۰۰۸، ص ۲۹). افراد دارای سبک دلبستگی اضطرابی / اجتنابی افرادی هستند که بر خلاف دسته اضطرابی / دو سوگرا، خود را شایسته مراقبت، صمیمیت، قابل پذیرش و ارزشمند ادراک کرده اند. از سوی دیگر، خداوند را غیرقابل اعتماد، دور از دسترس، طرد کننده و بی اعتنا تلقی می کنند. ترکیب این ویژگی ها موجب می شود تا چنین افرادی با یک احساس استقلال و آسیب ناپذیری، از خویشان خویش در برابر ناامیدی در اجتناب از روابط نزدیک با خداوند محافظت می کنند. به عبارت دیگر، این افراد نیازشان به داشتن پایگاه امن معنوی دچار آسیب می شود و به دنبال جستجوی راهی برای یافتن برقراری ارتباط با خدا (مانند انجام اعمال دینی) نیستند؛ چرا که اعتماد خود، به پشتیبانی معنوی را از دست داده اند و نمی توانند به کمک خداوند اتکا کنند. از این رو، شور و شوقی برای انجام دادن آداب و رسوم دینی در خود نمی بینند. معناداری رابطه سبک های دلبستگی، با دینداری نوجوان در این پژوهش، با نتایج پژوهش های بسیاری از جمله تحقیقات استانوویچ و کورتیک (۲۰۱۴)، گرانک ویست و همکاران (۲۰۱۴)، کیم بل و همکاران (۲۰۱۳)، هادیان و همکاران (۱۳۹۲) و اصلانی و همکاران (۱۳۹۲) همسو و هماهنگ بود.

خدایاری فرد و همکاران (۱۳۹۸) در مطالعه ای الگوی معادله ساختاری دینداری نوجوانان، بر اساس روابط بین فردی درون خانواده را ارائه دادند. نتایج آنها نشان داد که؛ الگوگیری از دینداری والدین به عنوان متغیر میانجی در نظر گرفته شد. و رابطه مثبت معنادار بین این مؤلفه و دینداری نوجوانان وجود دارد. چون افراد فرصت های بیشتری برای مشاهده

کردن کسانی دارند که اغلب با آنها (والدین) در ارتباط هستند، به احتمال زیاد به آنها توجه می کنند. فرزندان با مشاهده انجام رفتارهای دینی، از قبیل دعا خواندن، توکل کردن و انجام دادن سایر آداب و رسوم دینی توسط والدین خود، از آنها الگوبرداری کرده و در نهایت، این رفتارها را از خود بروز می دهند. معناداری رابطه الگوگیری از دینداری والدین، با دینداری نوجوانان در این پژوهش، با نتایج پژوهش های بسیاری از جمله تحقیقات اومن (Oman) و همکاران (۲۰۰۸)، گلانوویل (Glanville) و همکاران (۲۰۰۸)، بندورا (۲۰۰۳) و فقیهی و نجفی (۱۳۹۲) همسو و هماهنگ بود.

تمامی تعاملات و گرایش هایی که میان والد و فرزند رد و بدل می شود، به نوعی موقعیت هایی را برای مشاهده و الگوبرداری از والدین، که منجر به توسعه نگرش ها و رفتارهای مشابه در فرزند می شود، فراهم می کند. بنابراین، به نظر می رسد چنانچه والدین در ایفای نقش والدینی خود، مشارکت جویی بیشتر و مثبت تری داشته باشند، سرمشق گرفتن از باورها و رفتارهای دینی آنها به وسیله فرزندان افزایش می یابد. همچنین، والدینی که از خودمختاری و استقلال فرزندان خود حمایت می کنند، در واقع نمی خواهند که از خواسته ها و توقعات آنها، بدون چون و چرا پیروی شود. به نظر می رسد، این ویژگی والدین می تواند موجب شود تا فرزندان فارغ از هرگونه احساس اجبار، در زمینه دین با والدین خود بحث و گفت و گو کنند، دغدغه های خود را مطرح کنند و به دنبال یافتن پاسخ باشند. در مقابل، والدین نیز در مورد توقعاتشان در زمینه دین با فرزندان شان وارد بحث و گفت و گو شوند. به طور کلی، فرزندپروری برخوردار از ویژگی ها، به دلیل ارضای نیازهای اساسی روانی (نیاز به خودپیروی، شایستگی و تعلق) و تسهیل انگیزش درونی فرزند، موجب درونی سازی بیشتر نگرش ها و تنظیمات رفتاری والدین، و در نهایت، ترغیب به الگوگیری از والدین می شود.

توجه به تأثیر والدین بر دینداری فرزندان، در نظریات روانشناسی دین سابقه ی طولانی داشته و تا به امروز ادامه دارد. از این رو، شماری از نظریه ها به عوامل خانوادگی و نقش والدین در انتقال ارزش های دینی اهمیت داده اند. این پژوهش، نشان داد والدین به شیوه های مستقیم و غیرمستقیم از جمله سبک های دلبستگی، سبک های فرزندپروری، تقویت رفتارهای دینی در فرزندان و الگو بودن برای آنان، در انتقال دادن ارزش های دینی به فرزندان خویش تأثیرگذارند و نقش پویایی در شکل گیری و رشد باورهای دینی، عواطف دینی و رفتارهای دینی آنان ایفا می کنند. به سخن دیگر، نحوه تعامل والدین با فرزندان همانگونه که سایر ابعاد زندگی افراد را تحت تأثیر قرار می دهد، رشد و تحول دینداری در نوجوانان را نیز دستخوش تحول می کند.

امروزه جوانان در سطح جهان با تئوریهای ضد مذهبی رو به رو و شاهد ترویج باروها و ارزشهای سست و ناپایدار هستند. نقش مذهب در حفظ و بقای نظام اجتماعی و نیز در تقویت همبستگی بین اعضای جامعه سبب توجه جامعه شناسان و روانشناسان به آن شده است. دین و مذهب در جامعه ایرانی نیز به علت بافت مذهبی اش، جایگاه والایی دارد و جز جدانشدنی زندگی مردم است؛ تا حدی که هر گونه اقدامی که سبب تضعیف مذهب و کاهش دینداری مردم شود، نظام اجتماعی را با اختلال رو به رو خواهد کرد. با توجه به اینکه یکی از ویژگی های جمعیت ما، جوان بودن آن است؛ و نسل جوان بدون باور دینی و اعتقادات مذهبی به آسانی قابل نفوذ است و زمینه های انحراف در او ایجاد می شود. بنابراین در

این راستا موسوی (۱۳۹۵) در پژوهشی به بررسی آموزش مبتنی بر تربیت اسلامی بر سبک زندگی اسلامی و جهت گیری مذهبی پرداخته است.

نتایج نشان داد که تربیت اسلامی بر ابعاد سبک زندگی اسلامی نوجوانان دختر موثر است. در مورد دلایل احتمالی تأثیر تربیت اسلامی بر سبک زندگی اسلامی و ابعاد آن میتوان گفت، تأکید آموزه های دینی به والدین بر تشویق و تمجید نوجوان در جمع، حفظ احترام و اهمیت دادن به نظرات او در تصمیم گیری های مهم زندگی، یادآوری و تأکید بر موفقیت های گذشته و صفات مثبت، عملکرد خوب و قابلیت های او بجای توجه به شکست ها و صفات منفی گذشته اش موجب رشد اعتماد به نفس و افزایش آگاهی او نسبت به توانمندی هایش می شود. همچنین، پرهیز از بیان مکرر اشتباهات، دادن فرصت اظهار نظر به نوجوان در جمع و فراهم آوردن شرایطی برای نشان دادن خود و کسب تجربیات موفقیت آمیز و مطلوب به نوجوان جهت رشد و تقویت سبک زندگی اسلامی کمک می کند. همچنین، تسهیل سبک زندگی اسلامی برای رشد و بهبود دیگر متغیرها ضروری بود. همچنین تربیت اسلامی بر ابعاد جهت گیری مذهبی (شامل عقاید-مناسک، اخلاق) نوجوانان دختر موثر است. تأکید آموزه های اسلامی در تعاملات اجتماعی بر محور قراردادن خدا در تمام امور و روابط اجتماعی وانجام کار به نیت الهی تا با واکنش منفی مخاطب دچار دلسردی و تضعیف رابطه نشود. شناسایی افکار و باورها، انگیزه ها و خواسته ها و نیازهای افراد و بکارگیری آن در روابط میان فردی بصورت ترجیح دادن نیازها و خواسته های دیگران بر نیازها و خواسته های خود و توجه به ویژگی هایی شخصیتی ایراد و رعایت نکاتی که موجب رضایت یا عدم رضایت آنان میشود. علاوه بر این، رویکردهای تدریس در نظام های تعلیم و تربیت، میتواند بهترین موقعیت را برای تبلور و رشد معنویت در افراد فراهم نماید. برنامه درسی قلب نظام آموزشی است که میتواند شرایط، فرصت های مناسب، محتوا و نیز روش های مفیدی را برای پرورش و اعتلای وجود همه جانبه افراد تدارک دهد.

رشد معنویت در کودکان و نوجوانان حوزه ای است که گرچه مورد علاقه روانشناسان تحولی، نظریه پردازان مذهبی، مربیان و طراحان برنامه درسی قرار گرفته است، اما تحقیقات کمی در این حوزه انجام شده است. هر چند در این تحقیقات به بعضی از سازه های رشد معنویت (مفهوم خدا، مفهوم دعا، هویت معنوی، تفکر مذهبی، قضاوت مذهبی) توجه شده است اما همانطور که اسپلیکا، هوک و گورساج (۱۹۸۵) اشاره کردند در خصوص عوامل محیطی و فرهنگی تأثیرگذار بر مراحل رشد شناختی معنوی نتایجی به دست نیامده است (اسپلیکا، ۱۹۹۶؛ بریج و موری، ۲۰۰۲).

معمدی و غباری (۱۳۹۸) به بررسی ارتباط تحول شناختی، سن، جنس و وضعیت اقتصادی و اجتماعی کودکان و نوجوانان با برداشت از مفهوم خدا و یافتن مراحل تحول معنوی در آنها پرداختند. نتایج آنها نشان داد که بین برداشت از مفهوم خدا و مفاهیم شناختی و بین برداشت از مؤلفه های مفهوم خدا و سن آزمودنی ها رابطه وجود دارد. شواهدی در دست است که نشان می دهد برداشت مفهوم خدا در سنین مختلف متفاوت است و هویت مذهبی، اخلاق، ایمان، مفاهیم خدا و نیایش در کودکان همگی طی مراحل بروزی می کنند که تا حدی مقارن با مراحل پیاژه ای است. در مجموع سیر پیشرفت از ناتوانی در ادراک مفاهیم معنویت در اوایل زندگی آغاز می شود و از دینی بسیار «خودمحور» می گذرد و به فهمی ملموس و عینی از دین سرانجام به نوعی دین انتزاعی تر و پیچیده تر می انجامد. در واقع یافته های این پژوهش

هم سو با یافته های تامنین (۱۹۹۱)، امامی کندوانی (۱۳۸۱)، اسکندری (۱۳۸۲)، سیف نراقی و نادری (۱۳۷۳) نشان داد که تحول مفهوم خدا در کودکان ایرانی همانند کودکان ادیان مختلف است و مفهوم خدا مفهومی است که از انسان پنداری شروع شده و تا دید فوق طبیعت پنداری رشد می کند.

برخی از تحقیقات این فرض را که بین جنس آزمودنی ها و برداشت از مفهوم خدا رابطه مستقیم و مثبتی وجود دارد تأیید کرده اند. از جمله اینکه کودکان خداوند را به صورت یک مرد تصور می کنند (فوستر و کیتینگ، ۱۹۹۲) و احتمالاً در دخترها بیش از پسرها می تواند شواهدی مبتنی بر این دیدگاه یافت. (لد و همکاران، ۱۹۹۸). گرچه حمایت های تجربی برای پیش بینی اینکه تصویر خداوند باید با دیدگاه کودکان درباره پدرشان ارتباط داشته باشد، وجود دارد (اسپیلکا و همکاران، ۱۹۸۵)؛ اما هرتل و دوناهیبی (۱۹۹۵) معتقدند که در آزمودنی های آنها گرایش محکمی وجود دارد که خداوند را به عنوان مظهر عشق و مهربانی (مادرانه) و نه به عنوان منبع قدرت و اقتدار (پدرانه) ادراک نمایند. با این اوصاف به نظر می رسد مادران در مفهوم خدای کودکان به خصوص دختران نقش مهم تری ایفا می نمایند.

روشن است که کودکان و نوجوانان نسبت به بزرگسالان به علت تفاوت های تحولی، تجربیات زندگی، ظرفیت های شناختی و دیگر عوامل، تجربه های معنوی و مذهبی متفاوتی دارند، با این وجود، شواهد روشن حاکی از آن که کودکان و نوجوانان دارای علایق و تجربیات مذهبی و معنوی هستند. عوامل مذهبی و معنوی دوران کودکی به طور عمده علاوه بر علایق و تجربیات مذهبی و معنوی شخصی دوران کودکی، به تأثیر عوامل مذهبی و معنوی در ساختار محیط روانی و زیستی مانند خانواده، همسالان، جامعه نیز مربوط می شود (هارت، ۲۰۰۵؛ جانسون و بویاستیز، ۲۰۰۵)

رشد معنویت نه فقط شامل رشد شناختی بلکه شامل روابط اجتماعی و تجربیات هیجانی است. به طور خاص مفهوم خدا بر تجربیات ذهنی یک فرد تمرکز دارد نه بر واقعیت عینی خدا. دانش نوجوانان از خدا و درک آنها از خدا در زندگی شان شکل گرفته است از طریق این مفهوم، مفهوم مثبت از خدا می تواند به نوجوانان کمک کند تا با هزاران تغییری که در زندگی شان رخ می دهد سازگار شوند یک مفهوم منفی از خدا می تواند باعث شود تا نوجوان خودش را به عنوان یک فرد شکست یافته در نظر بگیرد (فیت، ۲۰۰۰).

مفهوم سازی نظری درباره رشد معنوی به طور کلی (الکایند، گلدمن) و نیز ایمان (فاولر) ظاهراً بر اثر صورت بندی های پیازه پدید آمده اند. بسیاری از تحقیقات دیگر درباره رشد معنویت (مفاهیم خدا و تصاویر خدا) چارچوب پیازه را مبنای بررسی های مختلف رشد معنویت به اثبات رسانده اند. لیکن علاوه بر دیدگاه های پیازه ای، مفهوم سازی نظری و کارهای تجربی امیدبخش دیگری هم در روانشناسی دین پدید آمده است مثلاً تامنین توجه ما را به تجربه مذهبی کودکان جلب کرده است به رغم تلاش هایی که برای تحقیق در این زمینه صورت گرفته است ولیکن با تنوعی از رویکردهای مختلف روبرو هستیم مسلماً چنین تنوعی محرک بسیاری از بررسی های گوناگون سودمند و خلاق تجربی درباره رشد معنویت بوده است که اگر این تحقیقات با انسجام بیشتری صورت بگیرد می توانیم شاهد نظریه ای جامع در این زمینه باشیم (معتدلی و غباری، ۱۳۹۸).

رضائیان و توتونچی (۱۳۹۸) به بررسی هویت دینی فرزندان از طریق متغیرهای الگوها ارتباطی خانواده، دینداری والدین و گرایش به تفکر انتقادی نوجوان پرداختند. در این مطالعه هم زمان نقش عوامل فردی (تفکر انتقادی نوجوانان)، عوامل خانوادگی (الگوهای ارتباطی والدین) و اجتماعی (دین داری والدین) در شکل گیری هویت دینی نوجوانان است. در مجموع از بررسی یکپارچه یافته های این پژوهش می توان به این نتیجه رسید که همخوانی میان باور و رفتار در انجام امور دینی توسط والدین و امکان گفتگو و بحث پیرامون مسائل دینی در یک موقعیت برابر، امن و پذیرا توسط اعضای خانواده و به ویژه والدین و پاسخ دهی مناسب به گرایش های رشدی دوره نوجوانی نظیر نگاه پرسشگرانه و کنجکاوانه که ناشی از شکل گیری ظرفیت های شناختی و تفکر انتزاعی در نوجوانی می توانی به شکل گیری هویت دینی مطلوب که بخشی مهم از فرایند کسب هویت در نوجوانی است کمک نماید.

هر اجتماع برای بقا و تداوم خود، تلاش می کند تا گنجینه ی تجارب ارزشمند خود را از نسلی به نسل دیگر انتقال دهد. فرایند انتقال فرهنگی مستلزم آن است که اعضای جامعه، ارزش های فرهنگی، مذهبی و نظایر آن را درونی سازی کنند (ریان، ریگی و کینگ، ۱۹۹۳ به نقل از مزیری و استوار، ۲۰۰۶). شواهد پژوهشی مؤید آن است که والدین نقش مهمی در انتقال باورها و ارزش های مذهبی به فرزندان دارند. کودکان از طریق مشاهده رفتارهای والدین، به تعهدات مذهبی آنان پی می برند؛ اما صرف وجود الگوهای مذهبی کافی نیست. مطالعات متعدد نشان می دهند روابط گرم و سبک فرزند پروری مقتدر می تواند تأثیر آموزه های مذهبی خانواده را افزایش دهد (هاردی، وایت، ژنگ و راجتی، ۲۰۱۱).

حسینی و همکاران (۱۳۹۴) دینداری دانش آموزان دوره های راهنمایی و دبیرستان شهر شیراز را بر اساس دینداری والدین و الگوهای ارتباطی خانواده مورد بررسی قرار دادند. نتایج نشان دهنده این بود که فرزندپروری مقتدر رابطه مثبت و معنی دار و سبک فرزندپروری مستبد رابطه منفی معنی داری با دینداری دانش آموزان داشتند. دادلی (۱۹۷۸؛ به نقل از ورمیر، جانسن و اسکپیروز، ۲۰۱۲) دریافت که حتی در خانواده های مذهبی، شیوه های خشن و استبدادی فرزندپروری با تعهد مذهبی فرزندان، رابطه منفی دارد. دینداری پدر و مادر پیش بین مثبت و معنی داری برای اغلب ابعاد دین داری دانش آموزان بود. از طرفی از بین الگوهای ارتباطی گفت و شنود و همنوایی، الگوی گفت و شنود پیش بین مثبت و معنی داری برای اغلب ابعاد دینداری دانش آموزان بود. الگوی همنوایی برای اغلب ابعاد دینداری، پیش بین معنی داری نبود و تنها برای بعد مناسکی پیش بین منفی و معنی داری بود.

بررسی تعامل بین متغیرها نیز حاکی از آن بود که تعامل دینداری پدر و الگوی ارتباطی گفت و شنود پیش بین مثبت و معنی داری برای اغلب ابعاد دینداری بود. به عبارت دیگر در خانواده هایی که دینداری پدر در سطح بالایی بود، با افزایش میزان گفت و شنود دینداری فرزندان افزایش می یافت؛ اما در خانواده هایی که دینداری پدر پایین بود، افزایش گفت و شنود ابتدا موجب افزایش دینداری و سپس موجب کاهش آن می گردید. به طوری که در سطح متوسط گفت و شنود، بیشترین میانگین دینداری حاصل می شد. علاوه بر این، دینداری مادر در پیش بینی دینداری مناسکی دختران و دینداری پیامدی پسران با بعد همنوایی تعامل داشت و به طور منفی آنها را پیش بینی می کرد. به عبارت دیگر در خانواده هایی که میزان دینداری مادر پایین بود، با افزایش الگوی ارتباطی همنوایی میزان دینداری مناسکی دانش آموزان دختر و

دینداری پیامدی دانش آموزان پسر به شدت کاهش می یافت. در حالی که در خانواده هایی که دینداری مادر بالا بود، این کاهش ناچیز بود. بررسی یافته ها به تفکیک جنسیت نیز حاکی از آن بود که دینداری پدر و مادر عمدتاً در گروه دختران توانایی پیش بینی ابعاد مختلف دینداری را داشت. همچنین بعد همنوایی اغلب در گروه دختران پیش بین منفی ابعاد دینداری بود؛ در حالی که بعد گفت و شنود اغلب دینداری دانش آموزان پسر را به طور مثبت پیش بینی می کرد.

نکته قابل توجه دیگر این که دینداری دختران؛ اغلب با استفاده از دینداری والدین به خوبی پیش بینی می شد؛ اما دینداری پسران، چندان تحت تأثیر دینداری والدین قرار نمی گرفت و اغلب با الگوی ارتباطی گفت و شنود پیش بینی می شد. علاوه بر این بعد همنوایی تنها در دانش آموزان دختر قادر به پیش بینی دینداری بود. بنابراین به نظر می رسد در جامعه پذیری دینی دختران و پسران تفاوت هایی وجود دارد به طوری که در هر یک از این گروه ها عوامل متفاوتی قادر به پیش بینی دینداری هستند (حسینی و همکاران، ۱۳۹۴).

هاشمی و همکاران (۱۳۹۳) در مطالعه ای فرصتها و تهدیدهای ناشی از گسترش فناوری اطلاعات در سه حیطة شناختی، عاطفی و رفتاری تربیت دینی دانش آموزان دبیرستان های پسرانه شهر اصفهان تعیین کردند. ایشان از تجربه و دیدگاه های دبیران درس دین و زندگی، مربیان پرورشی و مشاوران، که مسئولیت تربیت دینی دانش آموزان در دبیرستان ها، بیش از همه متوجه ایشان است، بهره بردند.

نتایج نشان میدهد که در قلمروی فرصتها، بزرگترین میانگین به عامل رفتاری مربوط است، چنین به نظر می رسد که سیاست گذاری، برنامه ریزی و تصمیم سازی در بعد رفتاری تربیت دینی دانش آموزان بسیار حائز اهمیت است و برنامه ریزان، کارشناسان و مسئولان، باید از فرصت هایی که فناوری در این حیطة فراهم می آورد استفاده کنند تا به تربیت انسان هایی وارسته و متعهد برای آینده کشور توفیق یابند. در واقع باید دانش آموزان، مفاهیم دینی را به صورتی کاربردی، تحلیلی و باورمند به رفتار و عملکرد دینی درک نمایند؛ زیرا هدف، تنها آشنایی دانش آموزان با مفاهیم دینی یا کسب علاقه به آنها نیست؛ بلکه هدف اصلی، پیدایش تغییرات اساسی در رفتار و عملکرد دانش آموزان است. همچنین از آنجا که در قلمروی تهدیدها، عامل شناختی، بزرگترین میانگین را داراست به نظر میرسد که اعتقادات و مبانی شناختی دانش آموزان، بیش از همه در معرض تهدیدها و چالش های ناشی از فناوری های نوین است؛ لذا دست اندرکاران و متولیان و همچنین خانواده ها باید نسبت به این موضوع، توجه و دقت کنند و در آموزش اعتقادات دینی و اصول و مبانی شناختی دانش آموزان با حساسیت و دقت نظر بیشتری بنگرند تا وقتی فرد در فضای فناوری ها قرار گرفت، عقاید و شناخت وی متزلزل نشود؛ چراکه تزلزل در اعتقادات و مبانی شناختی بسیار تهدیدکننده است. تا زمانی که اعتقادات و شناخت دانش آموز اصلاح نشود، نمیتوان از او انتظار رفتار مطلوب و نیز گرایش های صحیح را داشت؛ چنانکه بزرگان نیز به این مهم، اهتمام داشته و بر لزوم توجه مربیان و خانواده ها به اعتقادات و مبانی شناختی فرزندان تأکید کرده اند؛ از آن جمله است فرمایش امام جواد (ع) که میفرماید: کسی که بدون علم و آگاهی عمل کند، بیش از آنچه اصلاح کرده باشد، فساد کرده است (قمی، ۱۳۸۴:۴۸۱).



لازمه التزام عملی متریبان به تربیت دینی، دستیابی آنان به معرفت، بینش و شناخت کافی در زمینه اعتقادات، احکام و ارزش ها و توانایی تحلیل و ارزیابی آموزه های دین، آن گاه پیدایش تغییرات اساسی در احساسات، ارزش ها، نگرش و باور آنها و در نهایت، عمل گرایی است. برای رسیدن بدین اهداف با استناد به یافته های پژوهش به نظر می رسد که باید ضمن تبیین دقیق مسائل دین و آشنا کردن دانش آموزان با حقایق دین، احساس طلب و نیاز را در آنها ایجاد کرد و انگیزه و تمایل آنها را در جهت کسب فضائل اخلاقی، تقویت ایمان به آموزه های دینی و ارزش گذاری در مسائل بنیادی انسانی ارتقا بخشید. سرانجام باید دانش آموزان، مفاهیم دینی را به صورتی کاربردی، تحلیلی و باورمند به رفتار و عملکرد دینی درک کنند. انسان در نگرش اسلامی، تعلق و وابستگی شدیدی به خداوند دارد و همواره در جهت کسب رضایت الهی و دستیابی به سعادت ابدی، رفتارهای خود را تنظیم می کند بنابراین رسانه ها میتوانند با آموزش و ترویج ابعاد و آموزه های دینی و ارائی الگوهای مطلوب، ضمن ایجاد شناخت و آگاهی در دانش آموزان، فرایند تربیت دینی را کیفیت ببخشند. از دیگر سو، انسانی که با حقیقت دین آشنا باشد با قرارگرفتن در فضای اینترنت و دیگر رسانه ها از آنها کاملاً در جهت مثبت بهره خواهد برد. بنابراین، لازم است مواد آموزشی با این نگاه تهیه و تولید، و مطالب آموزشی و تربیتی نیز به اینگونه ارائه شود که ضمن جذابیت و نیز توجه به علایق و نیاز دانش آموزان، تمایل به ارزشها و هنجارهای دینی را در آنها تقویت کند که در این مسیر، میتوان از فناوری ها بهره جست. همچنین نباید از نقش فناوریهای اطلاعات و ارتباطات در غنی سازی اوقات فراغت دانش آموزان به گونه مطلوب و با بهره گیری از برنامه های متنوع و متعدد مذهبی و دینی، غفلت ورزید؛ لذا پیشنهاد می شود دست اندرکاران و کارشناسان تعلیم و تربیت به تهیه و تدوین برنامه هایی بپردازند که دانش آموزان بتوانند در اوقات فراغت خود با بهره گیری از فناوری های اطلاعاتی و ارتباطی ضمن شرکت در این برنامه ها از مزایا و فواید آن بهره مند گردند. هم رسانه ها چنین میتوانند با اطلاع رسانی ها و درج مطالب و نظایر آن، ضمن تقویت فرهنگ حضور در شعائر دین، نظیر نماز جماعت و هیئات مذهبی، نقش بسزایی در تربیت دینی دانش آموزان ایفا کنند. همچنین رسانه ها خواهند توانست با ارائه برنامه دینی و راهنمایی فراگیر در مسیر آن، دانش آموزان را در برنامه ریزی صحیح و تصمیم گیری مطلوب، یاری بخشند. با استناد به یافته های پژوهش به نظر میرسد که مبانی، ارزشها و عقاید دینی باید مقدماتاً به صورت مستدل در دانش آموز درونی شود و در وجود وی تبلور یابد. آن گاه باید این ارزشها به گونه ای، مطوب در دانش آموزان نهادینه شود و علاقه و انگیزه آنان را برانگیزد تا بتواند به عملکرد مطلوب بینجامد (هاشمی و همکاران، ۱۳۹۳).

نقی پور و فتحی (۱۳۹۲) به بررسی رابطه بین انعطاف پذیری خانواده، دینداری و سلامت روان در بین نوجوانان خانه گریز و عادی پرداختند. نتایج نشان دهنده آن است که هر چه انعطاف پذیری در خانواده بیشتر و دینداری بالاتر باشد فرد نوجوان از سلامت روان بیشتری برخوردار است. تبیین این نتیجه این است که عملکرد خانواده بیانگر مهارت های سازشی آن است که منجر به تحول و ایفای آن می گردد. در واقع انعطاف پذیری در خانواده بیانگر مقدار تغییر در نقش ها، قوانین، کنترل و انضباط است. زمانی که انعطاف پذیری بیشتری در خانواده وجود داشته باشد بیانگر رهبری و مدیریت خانواده به صورت دموکراتیک است و اینکه تغییر در نقش ها، قوانین، کنترل و انضباط است. زمانی که انعطاف پذیری بیشتری در خانواده وجود داشته باشد بیانگر رهبری و مدیریت خانواده به صورت دموکراتیک

است و اینکه کمتر حالت استبداد به خود گرفته و کلیه افراد خانواده در تصمیم‌گیری‌ها شرکت می‌کنند. به همین دلیل در خانواده‌هایی که در مقابل مسائل و مشکلات زندگی سطح مطلوبی از انعطاف‌پذیری دارند، می‌توان گفت تأثیری مثبت بر سلامت روان اعضای آن خانواده به خصوص نوجوان خود دارند (السون، ۱۹۹۹، به نقل از استیرگ، ۲۰۰۴). همچنین به نظر می‌رسد انجام آیین‌های مذهبی موجب تمرکز هر چه بهتر و بیشتر می‌گردد و همین عاملی است که فرد را نسبت به توانایی‌هایش آگاه می‌کند تا فعالانه در این جهت قدم بردارد تا افکار و رفتار نامناسب را که بر هم‌زننده آرامش فرد است، کنترل کند. بنابراین رفتارهای نابهنجار کمتر و سلامت روان فرد اوضاع بسیار مناسب‌تری خواهد داشت که همه این عوامل موجب خواهد شد که فرد رفتارهای نابهنجار کمتری از خود بروز دهد.

از نتایج دیگر این پژوهش آن است که ارتباط بین انعطاف‌پذیری در خانواده و دینداری و سلامت روان در نوجوانان خانه‌گریز و عادی تفاوت وجود ندارد. یعنی بین متغیرها هم در گروه نوجوانان عادی و هم در گروه نوجوانان خانه‌گریز همبستگی وجود دارد که این همبستگی در دو گروه از نظر آماری متفاوت نیست. توجیهی که برای این امر می‌توان بیان نمود آن است که انعطاف‌پذیری در خانواده و دینداری که به صورت کلی در مطالب قبل توضیح داده شد می‌تواند زمینه سلامت روان را آماده کند. حتی در خانواده‌های نوجوانان خانه‌گریز نیز این همبستگی و ارتباط کاملاً نمود می‌یابد. همچنین دینداری در نوجوانان خانه‌گریز و عادی متفاوت است که می‌توان نتیجه گرفت که میزان اعتقاد به مسائل و آیین‌های مذهبی متفاوت است. چراکه انجام تکالیف و آیین‌های مذهبی در خانواده نوجوانان خانه‌گریز کمتر جدی گرفته می‌شود و یا اعتقاد قلبی به انجام فرایض ندارند، این نوجوانان کمتر تمایل به انجام این تکالیف دارند.

نتیجه دیگر پژوهش این است که سلامت روان در نوجوانان عادی و خانه‌گریز متفاوت است. در واقع نوجوانان عادی از سلامت روانی بیشتری برخوردار هستند، چرا که نوجوانان خانه‌گریز در دو بعد دچار مشکل هستند هم در بعد خانوادگی چون خانواده این نوجوانان دچار اضطراب، اختلالات جسمانی، سوءاستفاده‌های جسمی و جنسی و سوء مصرف مواد می‌شوند همچنین کارکردهای اجتماعی آنها نیز مختل می‌شود و نوجوانان خانه‌گریز قادر نیست به طور مناسب با سایر افراد جامعه تعامل نمایند در مجموع همه این عوامل موجب می‌شود که سلامت روان در این نوجوانان کاهش یابد. همچنین بین انعطاف‌پذیری در خانواده در دو گروه نوجوانان عادی و خانه‌گریز تفاوت وجود دارد. بدین معنا که انعطاف‌پذیری در نوجوانان عادی بسیار مناسب‌تر و کارا تر است در حالی که انعطاف‌پذیری خانواده نوجوانان خانه‌گریز نامناسب و ناکارآمد است. در واقع مطابق با پژوهش‌های انجام شده درباره عملکرد خانواده، محققان به این نتیجه رسیدند که یکی از اصلی‌ترین عواملی که منجر به فرار فرد نوجوان از خانه می‌شود، تعارضات و عدم برخورد مناسب و صحیح با مسائل و مشکلات است که این ویژگی با ویژگی‌های نامناسب خود نوجوان همراه می‌شود (عدم دانش و تجربه کافی، غیرمنطقی بودن، آرمانگرا بودن) و منجر به بروز این معضل می‌شود. به طور کلی تبیین این امر آن است که خانواده نوجوانان خانه‌گریز دارای ویژگی‌هایی است که وجود این ویژگی‌ها موجب شده است که انعطاف‌پذیری در خانواده آنها با نوجوانان عادی متفاوت باشد. مهم‌ترین ویژگی این خانواده‌ها عبارتند از: نظارت و کنترل غیرمنطقی، حمایت‌های عاطفی بسیار نامناسب و کم، وجود درگیری و اختلاف و تعارض در درون خانواده، خشونت‌های رایج کلامی و جسمی و در مجموع عدم وجود آرامش روانی برای نوجوان است (نقی پور و فتحی، ۱۳۹۲).

قاسمی و هاشمی (۱۳۹۸) در مطالعه ای به تبیین سبک میانجی گر سبک دلبستگی ایمن، ویژگی های شخصیتی صداقت-فروتنی، همسازی و وظیفه شناسی و سبک فرزندپروری اقتدارگرا در رابطه بین ادراک از دینداری والدین با دینداری فرزندان پرداختند. نتایج پژوهش نشان می دهد که ادراک از دینداری والدین به طور مستقیم با دینداری فرزندان رابطه دارد. همچنین ادراک از دینداری والدین به واسطه ویژگی های شخصیتی صداقت-فروتنی، وظیفه شناسی و همسازی با دینداری فرزندان رابطه دارد. والدین مذهبی از طریق افزایش آگاهی افراد از تحت نظارت خدا یا قدرت بالاتر بودن، خود کنترلی فرزندان را تقویت می کنند. احساس اینکه فرد به وسیله خدا یا قدرت بالاتر مشاهده می شود، به احتمال بیشتری افراد را نسبت به رفتارشان، پیامدهای احتمالی رفتارشان و اختلاف بین رفتارهایشان و استانداردهای خودشان برای رفتارهایشان هشیارتر می کند و وظیفه شناسی آنها را افزایش می دهد (کیم- اسپون و همکاران، ۲۰۱۳، ص ۷۵۵). در نتیجه، نوجوانان مذهبی در مقایسه با همسالان غیرمذهبی شان، ممکن است به دقت رفتارهایشان را با توجه به اهداف و ارزش های شخصی شان که متأثر از قوانین و اصول آموزه های مذهبی است، تنظیم کرده و تلاش نمایند صفات پسندیده اخلاقی را در رفتارشان نشان دهند.

نتایج دیگر این است که رابطه ادراک از دینداری والدین با دینداری فرزندان از طریق سبک دلبستگی ایمن معنادار نیست. به عبارت دیگر، افراد با سبک دلبستگی ایمن و والدین مذهبی الزاماً دیندارتر نیستند. در پژوهش حاضر رابطه ادراک از دینداری والدین از طریق میانجی گری سبک فرزندپروری اقتدارگرای آنها بر دینداری فرزندان نیز معنادار نشد. در سبک فرزندپروری استبدادی، فرزندان مجبورند برای حفظ خودپنداره و جلوگیری از احساس گناه، خواسته ها و توقعات والدین را درون فکنی کنند؛ چون خانواده ها در جامعه ما غالباً مذهبی به شمار می آیند و نگرش و تمایلات مذهبی دارند. در مطالعه حاضر، فقط میزان دینداری فرد صرف نظر از انگیزه درونی یا بیرونی او برای دینداری سنجیده شده است. چه بسا ممکن است فردی که با سبک فرزندپروری استبدادی پرورش یافته است. در مقیاس دینداری نمره بالایی کسب کند؛ هر چند دینداری وی با انگیزه بیرونی باشد و از این رو، سبب معنادار نشدن رابطه سبک فرزندپروری مقتدر و دینداری فرزند شود. همچنین هر تل و دانا هو (۱۹۹۵، ص ۱۹۶) اعتقاد دارند که تصور والدین از خدا به اضافه شیوه فرزندپروری آنها، نگرش پیش بینی کننده ای برای شکل گیری تصور از خدا در جوانان است. بر اساس نظریه فراقنی، سبک تربیتی استبدادی تصور کودکان از خدا به عنوان تنبیه کننده می شود و این مسئله می تواند باعث دینداری حداقل در سطح مناسک گردد، یا حتی گاهی می تواند منجر به جهت گیری مذهبی بیرونی و نه درونی شود (قاسمی و هاشمی، ۱۳۹۸).

#### ۴-۴- روش ها و راهکارها:

تربیت را می توان یکی از مهم ترین مسائل جوامع انسانی دانست؛ زیرا نحوه شکل گیری شخصیت انسان ها به نحوه تربیت آنها بستگی دارد (مالسمانی و همکاران، ۱۳۸۹، ۱۲۱)؛ تربیت همچنین یکی از اساسی ترین نیازهای بشری است که در پرتو آن می توان به سعادت راه یافت؛ بدین منظور تربیت اسلامی برای یک فرد مسلمان ضرورت بسیار دارد؛ زیرا بندگی خداوند متعال که اساس اسلام است، تنها از طریق یک تربیت صحیح دینی حاصل می شود. تربیت دینی، مفهومی عام است که شامل حوزه های مختلفی، همچون تربیت عقلانی، سیاسی، اجتماعی، جنسی، عاطفی، اعتقادی، اخلاقی و عبادی

می‌شود که در اصطلاح عبارت است از: مجموعه اعمال عمدی و هدفدار، به‌منظور آموزش گزاره‌های معتبر یک دین به افراد دیگر به‌نحوی که آن افراد در عمل و نظر به آن آموزه‌ها متعهد و پایبند شوند (داوودی، ۱۳۸۳، ۲، ۲۶). در پژوهش هاشمی و همکاران (۱۳۹۳) که در مورد فرصت‌ها و تهدیدهای ناشی از گسترش فناوری اطلاعات در سه حیطه شناختی، عاطفی و رفتاری تربیت دینی دانش آموزان دبیرستان های پسرانه شهر اصفهان بود، مسئله، وارد کردن یا نکردن فناوری اطلاعات به جریان تربیت دینی دانش آموزان نیست؛ بلکه مسئله واقعی این است که چگونه میتوان از این قدرت بهره گرفت و تربیت را به شکلی مناسب، پاسخگو و اثربخش برای همه در هر جا و در هر زمان ارائه کرد؛ بدین منظور با استنباط از نتایج پژوهش، راهکارهای ذیل را پیشنهاد کردند:

۱- لزوم فرهنگ سازی: فرهنگ سازی در آغاز ظهور و بروز هر نوع فناوری، امر مهمی به شمار میرود. در جریان فرهنگ سازی با طرح ابعاد مثبت و بهینه فناوری مورد نظر و یادآوری تهدیدهای آن، مردم رفته رفته فضایی به منظور استفاده از ابعاد مثبت فناوری و اندیشیدن برای کاهش تهدیدهای احتمالی آن پدید می‌آوردند و بدین ترتیب، بستر پذیرش فناوری جدیدالتأسیس را برای جامعه با کمترین هزینه ممکن و حداکثر سود موردنظر رقم می‌زنند.

۲- تولید و ارائه محصولات رسانه ای: در حوزه تعلیم و تربیت به منظور غنی سازی اوقات فراغت دانش آموزان نهادهای متولی تعلیم و تربیت جامعه میتوانند با تولید و ارائه محصولاتی در حوزه تعلیم و تربیت با بهره گیری از فناوری اطلاعات و ارتباطات، نظیر بازی های رایانه ای با موضوعات دینی و تربیتی، برگزاری مسابقات دینی و تربیتی، برگزاری دوره های آموزشی، سیر مطالعات الکترونیکی و... علاوه بر غنی سازی مطلوب اوقات فراغت دانش آموزان، نسبت به تربیت آنان اقدامی صورت دهند که علاقه و انگیزه متربی را نیز به همراه داشته باشد.

۳- استفاده از روشهای فعال تدریس: پیشنهاد میشود از روشهای فعال تدریس بویژه روش حل مسئله، که اجرای آن مستلزم تلاش عقلانی، جسمانی، عاطفی و اجتماعی یادگیرندگان و راهنمایی و هدایتگری معلمان و درگیری مستقیم و رودرروی یادگیرندگان با موضوعات و مسائل است، بهره گرفته شود تا نسبت به درونی سازی اصول و ارزش های دینی و کسب اعتقاد و انگیزه لازم نسبت به آموزه های دین در متربیان، بهتر عمل شود.

۴- تهیه محتوای مناسب: یکی از فراموش شده ترین و در عین حال مهمترین بخشهای فناوری اطلاعات "محتوا" است. آوردن تلویزیون، رادیو و رایانه به کلاس درس و اتصال به اینترنت، بدون محتوای مناسب با برنامه درسی، مثل ساختن جاده بدون داشتن اتومبیل است. بنابراین، تهیه محتوای مناسب درسی بویژه با بهره گیری از فناوری اطلاعات و ارتباطات به عنوان مکمل فرایند یاددهی - یادگیری، یک ضرورت است.

۵- دقت در برنامه ریزی و سیاستگذاری: فناوری تنها یک ابزار است و نمیتواند فلسفه آموزشی غلط را درست کند. درواقع اگر ما راه را اشتباهی برویم، فناوری ما را سریعتر به آنجا می‌رساند. بنابراین همانطور که ممکن است آموزش چهره به چهره نامناسبی وجود داشته باشد، احتمال دارد آموزش از طریق فناوری نامناسبی نیز اتفاق بیفتد؛ بنابراین، اگر

راهبردها و سیاستهای آموزشی صحیح نباشد و شرایط و پیشنیازها برای استفاده از فناوریها همزمان و هماهنگ نباشند، نه تنها فناوری فرصت نیست، بلکه به تهدید جدی تبدیل میگردد.

عز نگرش سیستمی به تربیت دینی: با توجه به اینکه فناوریها در حوزه شناخت، عواطف و رفتار متریبان، فرصتها و تهدیدهایی را به همراه دارد و همچنین با توجه به تهدیدهای مطرح شده در تحقیق، نظیر ایجاد تعارض میان تربیت خانوادگی و مدرسه ای، دارا بودن نگرش سیستمی در تربیت دینی دانش آموزان در زمینه توجه به جنبه های مختلف رشد (شناختی، عاطفی و رفتاری) توجه به نیازهای مختلف دانش آموزان (نیاز به آگاهی، عاطفه، پیشرفت، حمایت و...) و توجه به ارتباط و تعامل بین تمامی عوامل دخیل در تربیت (خانواده، مدرسه، دولت و...) بسیار حائز اهمیت است.

در مطالعه کریمی نیا و همکاران (۱۴۰۰) مجموعه راهکارهای نظری و عملی برای تربیت فرزندان در مسیر اهل بیت (ع) معرفی شد. اهل بیت (علیهم السلام) در مقام و مرتبه بالایی قرار دارند و با دیگر انسان ها قابل مقایسه نیستند، به همین دلیل، خداوند آنان را از هر گونه پلیدی و رجس پاک گردانیده است. محبت اهل بیت (علیهم السلام) آن چنان اهمیت دارد که ریشه قرآنی دارد و خداوند متعال آن را برای تمامی پیروان اسلام واجب ساخته است و همه بدان اعتقاد دارند. روایات به طور صریح، بر محبت آنان تأکید شده است؛ از جمله این که حب اهل بیت (علیهم السلام)، اساس ایمان است. با توجه به اینکه در اسلام توصیه ی اکیدی به آموختن محبت اهل بیت (علیهم السلام) به فرزندانمان شده است، ما موظفیم فرزندانمان را دوستدار اهل بیت تربیت نماییم و از این عامل تربیتی در رشد او کمال استفاده را ببریم. هر قدر محبت و ارتباط قلبی با ائمه بیشتر باشد، تبعیت و همرنگی و همراهی و همدلی با آنها بیشتر خواهد بود. از جمله راه های نظری ایجاد محبت نسبت به اهل بیت در کودکان و نوجوانان عبارتند از: معرفت اهل بیت، شناساندن جایگاه و حقوق و فضایل اهل بیت و آموزش چگونگی توسل به اهل بیت، و از جمله راه های عملی ایجاد محبت نسبت به اهل بیت عبارتند از: مراقبت های ویژه زمان انعقاد نطفه و دوران جنینی، تغذیه پاک و حلال، بزرگداشت ایام وفات و ولادت ائمه (ع)، آشنایی فرزندان با سرزمین های مقدس و زیارت ائمه (ع).

همچنین وفایی و کوشکی (۱۳۹۴) راهکارهای زیر را برای تربیت عبادی نوجوانان ارائه دادند:

۱. زمینه سازی مناسب: زمینه، در لغت به معنای نقشه، طرح و موضوع است؛ از این رو زمینه سازی نیز به معنای آماده کردن طرح و نقشه برای انجام دادن کاری است (عمید، ۱۳۶۷، ۷۳۹). انتخاب و تنظیم زمینه ها و شرایط، عامل تسهیل کننده ای برای شکل گیری و شکل دهی رفتارهای مطلوب در انسان ها است؛ در این روش تربیتی به امکانات بالقوه توجه می کنیم؛ طبق این روش، باید از قبل شرایط تسهیل کننده شکل گیری حالات و رفتارهای مطلوب و از بین رفتن رفتارهای نامطلوب را به نحو مقتضی، دگرگون و تغییر داد. زمینه سازی به این معناست که با اقدامات و فعالیت های فردی و اجتماعی خود، بستر تربیت عبادی در نوجوانان را فراهم کنیم (باقری، ۱۳۹۰، ۱۳۶).
۲. بصیرت بخشی: بصیرت، نیرویی باطنی است که به نور قدس روشن شده و از پرتو آن، صاحب بصیرت، حقایق و باطن اشیا را درمی یابد. در روش اعطای بینش که مطابق با اصل تحول درونی است، سعی بر آن

است که برداشت انسان از امور، دگرگون شود تا تغییر رفتار انجام پذیرد. درک حضور خداوند در تمامی ذرات هستی و تفکر در آفرینش عالم کبیر، آسمان و زمین و نظامات آن و سپس از طریق آفرینش عالم صغیر، یعنی انسان، مردم را متوجه اصل توحید می‌سازد. با بینش دادن انسان در مورد نظام هستی، دنیا، حقیقت انسان، تاریخ انسان، مرگ و پس از مرگ، هدفمندی جهان و زندگی در آن را گوشزد می‌کند (شاوردی و کشاورز، ۱۳۹۰، ۴۸).

۳. الگودهی مناسب: در این روش، انسان نمونه‌ای عینی را مطلوب خویش می‌گیرد و به شبیه‌سازی دست می‌زند و تلاش می‌کند در همه امور، خود را همانند الگوی مطلوب خویش سازد و گام در جای گام او بگذارد. نوجوانان، نظام ارزش‌ها و رفتارهای الگوهای بزرگسال را به‌عنوان یک هدف رفتاری مطلوب می‌پذیرند، به‌ویژه زمانی که رفتار الگوها ترسیمی از شیوه و طریق متعالی زندگی بوده و پاسخی برای نیازهای فطری آنها باشد. زمانی که الگوهای رفتاری نوجوان با تعظیم، تکریم و درعین حال گشاده و متبسم حاضر می‌شوند و به عبادت و اعمال عبادی می‌پردازند، نوجوانان سعی می‌کنند با انگیزه فراوان این رفتارهای الگوها را به خاطر بسپارند و اشتیاق بازآفرینی این رفتارها را می‌توان از نگاه نظاره‌گر آنها دریافت. در این روش مربی می‌کوشد نمونه رفتار و کردار مطلوب را عملاً در معرض دید نوجوان قرار دهد و بدین‌گونه او را دگرگون سازد تا به پیروی بپردازد و حالت نیکویی مطابق با عمل الگو و اسوه در خویش پدید آورد (باقری، ۱۳۹۰، ۱۴۴)؛ بنابراین اسلام برای عالمان، دانشمندان و الگوهای جامعه اهمیت و نقش سازنده‌ای قائل است.

۴. تبشیر: تبشیر، مظهری از فضل و رحمت است و یکی از مهم‌ترین ابزار انبیا در مسیر دعوت خویش بوده و در آیات فراوانی مشتقات بشارت ذکر شده است. بنابراین از آنجا که روحیه نوجوانی سرشار از امید است، باید به نوجوانان با اشاره به آیات قرآن و روایات ائمه بشارت داد که هرچه بکارند، نزد خدای متعال برداشت می‌کنند؛ از این‌رو باید در برابر انجام اعمال و عبادات، صبر و شکیبایی داشته باشند و از نیروی نوجوانی برای انجام اعمال و عبادات استفاده کنند و بدانند که همه‌چیز در پیشگاه خداوند متعال ثبت و ضبط خواهد شد.

۵. تشویق: تشویق به معنای برانگیختن، به شوق آوردن، راغب ساختن و شایق کردن است (معین، ۱۳۸۷، ۱، ۱۰۸۸)؛ روش تشویق به‌کار گرفتن آدابی برای تحقیق این معنا در آدمی است؛ یعنی آدابی برای برانگیختگی شکوفا شدن استعدادهای انسان در جهت کمال مطلق است. یکی از روش‌های مؤثر در تربیت، برانگیختن نوجوانان به سوی کمال و دور کردن آنها از هر نقصی است؛ در این راستا، تشویق و قدردانی در روح و روان نوجوان اثر می‌گذارد و او را به انجام اعمال نیک ترغیب می‌کند.

۶. تکریم: از سرمایه‌های فطری که بر اساس مشیت الهی در باطن هر کس نهاده شده، غریزه حب ذات و توجه دادن انسان به مقام و موقعیت خویش است (قرائتی، ۱۳۹۱، ۱۸۲)؛ این راهکار همه انسان‌ها را به جهت اینکه در همه آنها غریزه حب ذات وجود دارد و هر کس دوست دارد که دیگران به او احترام بگذارند،

- را شامل می‌شود. بنابراین ضروری است که مربی و راهنما با احترام با نوجوانانی که اهتمام جدی به عبادت دارند، برخورد کند و این عامل زمینه مناسبی برای شوق به عبادت ایجاد می‌نماید (اشتهاردی، ۱۳۷۲، ۲۷۹)؛
۷. آموزش مراقبه و محاسبه: مراقبه به معنای خود را پاس داشتن و مراقب خود بودن (معین، ۱۳۸۷، ۳، ۳۹۸۵) و محاسبه به معنای رسیدگی به حساب خویش و حساب‌خواهی و حسابرسی است (معین، ۱۳۸۷، ۳، ۳۸۸۹-۳۸۸۸) و از آنجاکه آدمی پیوسته در معرض اشتباه، گناه، تباهی و پلیدی است، لازم است خود، حریم حقیقت خویش را پاس دارد و به حساب خویش توجه نماید تا از لغزیدن خود جلوگیری نماید یا در صورت لغزش به سرعت بازگردد و آن را جبران سازد. از این‌رو مربی باید در جهت آگاهی‌متری در باب مراقبت از خود و محاسبه نفس و اعمال خود، تلاش فراوان نماید؛ زیرا با مراقبت و محاسبه است که متری و نوجوان ارزش وجودی خود را درک کرده و در جهت حفظ خود و مراقبت و حسابرسی به عبادت روی خواهد آورد.
۸. تذکر و یادآوری: تذکر یعنی یادآوری و یادآوردن آنچه انسان به فراموشی سپرده است؛ مانند تذکر نعمت‌ها و یاد منعم و خدایی که در همه‌جا حاضراست. ز آنجایی که روحیه سپاسگزاری در نوجوانان بالا است، باید تلاش شود که همواره نوجوانان با انجام عبادات، خدای متعال را به سبب نعمت‌های بی‌حد و حصرش شکرگذار باشند.
۹. تمثیل: از آنجایی که بسیاری از حقایق، در حوزه امور عقلی و حکمت‌ها دسته‌بندی می‌شود و به سادگی از طریق ابزارهای شناختی حسی قابل‌درک و فهم نیست و بسیاری از مردم به بلوغ عقلی نمی‌رسند و در وادی محسوسات و خیالات زندگی به سر می‌برند، لازم است که مباحث عقلانی و حکمت‌های عالی و بلند را به شکل محسوس و از طریق بیان تمثیلات و تشبیهات به افراد منتقل کرد. بنابراین با توجه به تفاوت‌های بسیار در سطح فهم و ادراکی انسان‌ها، به‌ویژه کودکان و نوجوانانی که به بلوغ عقلی و فکری نرسیده‌اند، بهره‌گیری از تمثیلات و تشبیهات بسیار مهم و اساسی است. با توجه به منابع تربیت عبادی اسلامی (قرآن کریم، نهج‌البلاغه، احادیث و روایات، صحیفه سجادیه، مفاتیح‌الجنان و...) که همگی پر از تمثیل هستند، باید از این روش به‌خوبی استفاده شود.
۱۰. تلقین به نفس: تلقین به نفس به این معناست که از طریق به زبان آوردن قولی معین، به مقتضای آن، تغییری در ضمیر پدید آید. تلقین، گفتاری است؛ اما با اندک گسترشی در آن، می‌توان برای تلقین رفتاری نیز جایی در نظر گرفت. مراد از تلقین رفتاری، آن است که با آشکار ساختن عملی در اعضا و جوارح، سایه و طنین آن عمل را به درون بیفکنیم. پیش‌فرض این روش، تأثیر لایه‌های شخصیتی انسان (ظاهر و باطن) در یکدیگر است.
۱۱. موعظه: موعظه در اصل به معنای منعی است که با بیم دادن همراه است و نیز گفته‌اند موعظه یادآوری قلب نسبت به خوبی‌ها است در آنچه موجب رقت قلب می‌شود (الفراهیدی، ۱۴۱۴ ق، ۳، ۱۹۶۶)؛ بنابراین موعظه چیزی است که قلب را نرمی و رقت می‌بخشد و عواطف را تحریک می‌کند و موجب می‌شود که انسان از کجی و پلیدی دست برداشته و به راستی و خوبی روی آورد. از آنجاکه نوجوانان روحیه

تحریک‌پذیری و کنجکاوی بالایی دارند، باید با پند و اندرز دادن به‌موقع، آنها را نسبت به انجام عبادات تحریک کرد و روحیه کنجکاوی و پرسشگریشان را به‌خوبی پاسخ داد.

۱۲. دعا: دعا، بزرگ‌ترین لطف الهی بر بنده است. دعا، سرچشمه خیرات و توجهات حضرت حق بر آدمیان است؛ دعا، «مغز عبادت» و «لباس افتخار» پارسایان در دنیا و دلباختگان آخرت است. باید اذعان نمود که باشکوه‌ترین حالت انسان، در لحظه دعا و نیایش به منصفه ظهور می‌رسد.

۱۳. ارتباط با اماکن مذهبی: حضور در اماکن و برنامه‌های مذهبی، به‌ویژه نماز جماعت، اگر با تشویق همراه باشد، نوجوانان را به حضور در مسجد و اقامه نماز ترغیب می‌کند. ز این‌رو یکی از راه‌های قراردادن محبت اهل‌بیت در دل کودکان و نوجوانان، پدید آوردن صحنه‌ها و فضاهایی است که آنها در شرایط روحی خاصی قرار بگیرند و به‌تدریج حق درونی آنان بیدار و جذب شوند؛ چه‌بسا اگر آنان را به حال خود رها کرد، به این سمت و جهت کشیده نشوند و به مجالس دعا و توسل نیایند؛ ولی اگر ترتیبی دهیم که در این فضا قرار گیرند، جذب آن می‌شوند؛ مثلاً اردوهای فرهنگی و زیارتی و دیدار از حرم‌ها، زیارتگاه‌ها، شرکت در مجالس دینی، دعا، توسل، عزاداری و ملاقات با شخصیت‌های معنوی، برگزار شود.

اگر مفاهیم اعتقادی (باورها) و اخلاقی (ارزشها) درونی شود، دیگر امواج بدون دیوار رسانه‌های ارتباطی و ماهواره‌ها، نمیتوانند دل‌های فرزندان ما را تسخیر کنند و موج فرهنگی و تبلیغی ناخواسته، کارکردهای دیرینه و آموزش‌های رسمی مراکز فرهنگی را یک شبه نقش بر آب کند. امروز دو رویکرد اصلی و پرتطرفدار درباره تربیت دینی کودک و نوجوان مطرح است: اول متابعت، رفتار فردی را توصیف می‌کند که به منظور کسب پاداش و یا اجتناب از تنبیه و یا با تحمیل و اکراه بیرونی برانگیخته شده باشد. والدین و مربیان نسل‌های گذشته این مدل تربیت بیرونی را پی می‌گیرند. نقطه مقابل این روش تربیتی، رویکرد برخی نویسندگان، روشنفکران و بعضی کارشناسان تربیتی معاصر است. این دسته به شدت از تکیه بر عوامل بیرونی تربیت مانند امر و نهی کردن والدین، آموزش دادن مربیان، گفتن و تذکر دادن، توبیخ و تنبیه و اموری مانند آن پرهیز داشته و تنها بر زمینه‌سازی و درونی‌سازی مفاهیم دینی تأکید دارند. عامل تربیت انسان در رویکرد سوم به فرزندپروری، نه صرفاً درونی است و نه بیرونی؛ بلکه تربیت در این رویکرد گرچه مبتنی بر تعمیق باورهاست، از وجوه و عوامل بیرونی تربیت، غافل نیست. تربیت در این رویکرد: درونگراست؛ زیرا تربیت از درون متربی آغاز میشود، نه از بیرون او. روش انبیا به عنوان معلمان بیرونی انسان، تنها این است که دینه‌های درونی او را آشکار کنند و فعلیت ببخشند نه اینکه به طور مستقل تأثیر تربیتی داشته باشند. برونگر است؛ زیرا انسان افزون بر ناصح و معلم درونی (فطرت)، به خیرخواه بیرونی هم نیاز دارد؛ زیرا نفس و فطرت انسان گاهی گول نفس و نفسانیات را خورده و اغفا میشود و اینجاست که نطق، پیامبران، عالمان، روحانیان، معلمان و والدین ظاهر میشود. همچنین علاوه بر خودجوشی معنوی، متأثر از محیط و نظامات بیرونی نیز هست؛ بنابراین تکیه بر فطرت و خودجوشی درونی کافی نیست. مهمتر از همه اینکه تربیت در این رویکرد تأکید جدی بر توحید دارد؛ زیرا عامل اصلی تربیت انسان خداوند و یاریجویی از اوست. در نگرش توحیدی و دینی، تمام عوامل درونی و بیرونی تربیت، متأثر از حقیقتی به نام خداست. مربی اصلی انسان خداوند است و مربیان دیگر از انبیا، اولیا،



مربیان و والدین، مظهر ربوبیت حق تعالی هستند. بر اساس قرآن اگر خداوند اراده نکند، کسی تربیت و تزکیه نخواهد شد (گریوانی، ۱۳۹۸).

آنچه به عنوان یک آسیب تربیتی در تعلیم و تربیت مربیان و والدین نمود آشکاری دارد، «تربیت سطحی، صوری و ظاهری» دین به فرزندان و «عدم تعمیق باورهای دینی و نیز توجه به «عوامل بیرونی» تربیت است تا عوامل درونی آن. همچنین توجه به ظواهر و کنش های دینی است تا باورها و ارزش های دینی. درونی سازی راهکار رهایی از این آسیب است؛ زیرا درونی کردن یک ارزش و فضیلت، عمیق ترین و پایدارترین پاسخ به نفوذ اجتماعی است. درونی سازی عاملی مهم در تعمیق باورهای دینی به شمار می رود. برای تعمیق باورهای دینی پنج گام اصلی باید برداشته شود: ایجاد انس دینی؛ ایجاد عادت دینی؛ ایجاد معرفت دینی؛ ایجاد معنویت دینی؛ پرهیز از دافعه ها و موانع تعمیق باورها. هر کدام از این دوره ها میتواند ویژه یک سن خاصی باشد: عادت دینی در دوره کودکی او؛ انس دینی مربوط به دوره کودکی دوم؛ حس دینی مربوط به دوره کودکی سوم و معرفت دینی ویژه نوجوانان است (گریوانی، ۱۳۹۸).

غلامی (۱۳۹۸) چگونگی نهادینه کردن نمازخوانی فرزندان نوجوان توسط والدین را مورد بررسی قرار داد. برای دستیابی به نظریه ای برآمده از تبیین چگونگی پرورش فرزندان نمازگزار مصاحبه های عمیق صورت گرفت. پس از بازبینی و مطالعه مصاحبه ها و برچسب مفاهیم و مقایسه آنها با یکدیگر مقوله ها ساخته شدند. در مرحله کدگذاری باز اولیه به همه نکات کلیدی مصاحبه ها برچسب های مفهومی مناسبی داده شد که اطلاعات آن در جدول شماره یک ارائه شده است. پس از تعیین مقولات به ساخت طبقات محوری پرداخته شد.

الف) شرایط علی: کدگذاری عمیق مصاحبه های مادران و پدران در این تحقیق نشان داد که مراقبت، حساسیت و عزم راسخ به عنوان کلی ترین لایه در ایجاد دینداری در فرزند موجب پدیدآیی مناسک دینی در فرزندان می گردد. داشتن دغدغه برای داشتن فرزند خدامحور و احساس مسئولیت در قبال دین داری فرزند یکی از مهمترین خصوصیات والدین موفق در امر فرزند نمازگزار است. این دغدغه موجب سطح یا لایه دوم یعنی مطالعه و کسب آگاهی از راهکارها شده بود. به طوریکه مصاحبه شونده ها هر کدام کتابهای فراوانی مطالعه نموده و حتی تحقیقات انجام داده بودند.

ب) راهبردها: راهبردهایی که مادران برای رسیدن به اهداف خود برگزیدند عبارتند از:

- ۱) ایجاد سبک زندگی دین محور و الگوسازی: ارتباط با مساجد و محافل دینی، قرار دادن برنامه های سفر زیارتی، گوش دادن سخنرانی های مذهبی در منزل یا اتومبیل، تنظیم کارهای روزمره چون خرید، صرف غذا، تفریح، ساعات خواب و بیداری بر اساس وقت نماز، انتخاب برنامه ها تلویزیونی، تشویق ها و تنبیه ها، آمد و شد با فامیل و دوستان در این گروه از مشارکت کنندگان در تحقیق قابل توجه بود. نکته دیگر الگوی تمام عیار بودن خود والدین در رعایت تک تک نکات و توجه ویژه به نماز توسط والد است که زمینه موفقیت در بعد دینداری را فراهم می سازد.
- ۲) یکسانی عقیده و رفتار و ارتقای رشد شخصی: وقتی والدین برای فرزندان خود از فواید نماز می گویند بالطبع نوجوان به رفتارهای آنها می نگرد که آیا نمود رفتاری والدین حاکی از بحث انسان سازی نماز هست یا خیر. والدین بی

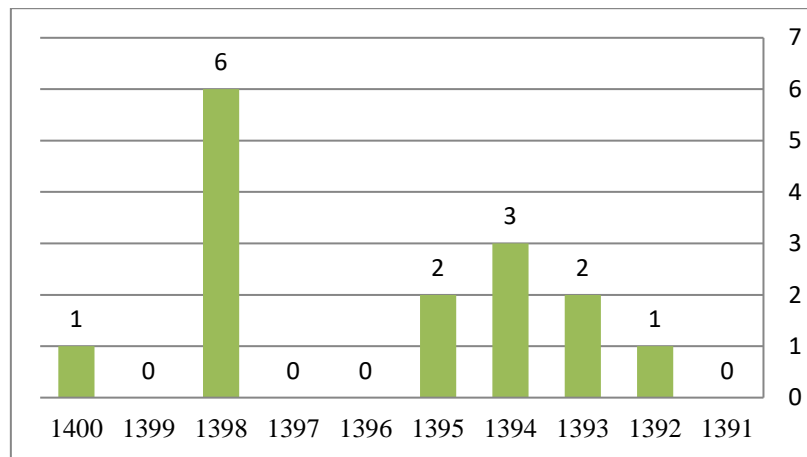
- مسئولیت، بی توجه به بهداشت و نظم، بد اخلاق و دارای صفات رذیله اخلاقی این فکر را به فرزند خود القا می کنند که چرا نماز از وی انسان خوبی نساخته است و بنابراین ارزش نماز در نگاه آنها کاهش می یابد.
- ۳) اقدامات قبل از تولد: توجه به غذای مصرفی، خواندن قرآن و دعا
- ۴) اقدامات قبل از سن تکلیف: مصاحبه شوندهگان معتقد بودند سن تکلیف برای آغاز نمودن نماز دیر است و اگر تا آن موقع فرزند عادت به نماز خواندن نکرده باشد، مسائل بلوغ نیز دامن زده و فرزند از نماز خواندن سرباز می زند.
- ۵) اقدامات حین و بعد از سن تکلیف: مادران برای شروع سن تکلیف جشن برگزار نمودند یا با کمک دبیران مدرسه جشن کلی گرفتند.
- ۶) اتخاذ سبک والدگری مثبت و موثر: چگونگی تعامل والدین با فرزندان پیامدهای رفتاری ویژه ای را به دنبال دارد اگر پدر و مادر نتوانند اختلاف زناشویی خود را حل کنند و محیط خانه محل ستیزه باشد امکان رشد معنوی کم می شود. در بعد دیگر والدگری، تنبیه، تحقیر و سرزنش فرزند نیز سدی بر سر راه رشد است.
- ۷) انعطاف پذیری در تربیت: بعضی والدین انعطاف پذیرند و بعضی دیگر خیلی سختگیرند. والدین انعطاف پذیر گاهی اوقات به کودکشان نه می گویند و گاهی به او وعده وعید می دهند و گاهی با او کنار می آیند و حرفهای او را قبول می کنند. رفتار خشک مذهبی و عدم انعطاف پذیری خود دلیلی بر عدم رغبت به نماز توسط فرزندان است.
- ۸) کسب مهارت‌های حل مساله: در هنگام مواجهه با چالش های فرزند چون شک در مورد دین و نماز به کتب و افراد ذی صلاح مراجعه نمودند
- ۹) ایمن سازی محیط: مادران موفق در تربیت فرزند نمازگزار دستگاه ماهواره نداشتند یا کانال ها محدود است. در مورد گوشی های هوشمند برنامه ریزی برای زمان استفاده یکی از راه حل های ایمنی بخش بود. فرستادن به مدرسه معنویت محور نیز یکی از راهکارهای ایمنی مادران بود.
- ۱۰) مراقبت از دوستی ها و روابط با همسالان: نظارت بر دوستی ها و داشتن فلسفه برای چگونگی ارتباط با دوست و همسالان یکی دیگر از عوامل مهم در موفقیت والدین در به ثمر رساندن اهداف خود برای تربیت فرزند است. در مرحله نهایی یعنی کد گذاری گزینشی مقولات در سطح انتزاعی تری ارائه می شوند (غلامی و همکاران، ۱۳۹۸).

## ۵- نتیجه گیری:

از این مطالعه ۳۰ عنوان مقاله بدست آمد که ۱۵ مقاله بر اساس "اهداف و موضوعات نسبتاً مشابه" مطالعات انتخاب شدند. تحقیقات صورت گرفته با محوریت "دینداری نوجوانان" به موضوعات مختلفی پرداخته است، از جمله می توان به موضوعات کلی؛ تفاوت رویکرد اسلامی و روانشناختی در توصیف و تبیین رشد دینداری (یک مقاله)، گونه های دین داری (۲ مقاله)، عوامل موثر بر دینداری (۸مقاله) و در نهایت روش ها و راهکارهای ایجاد محبت به اهل بیت(ع) و تربیت عبادی (۴مقاله) اشاره نمود.

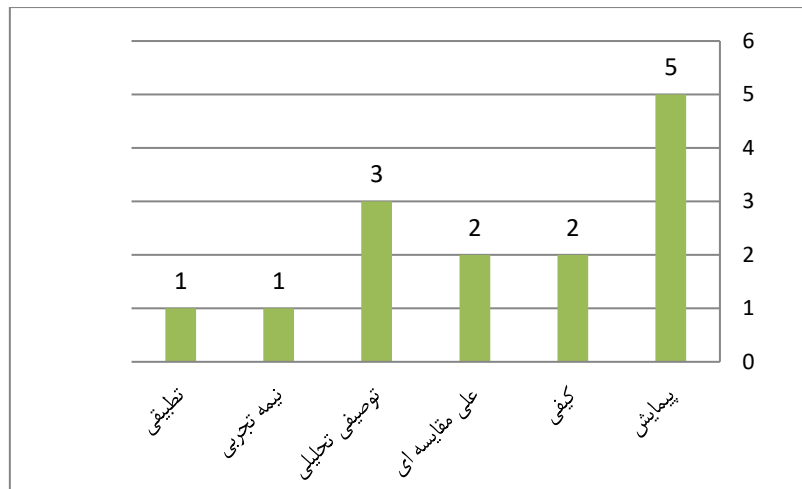
در سه مطالعه دانش آموزان، در سه مطالعه نوجوانان و کودکان، والدین، دبیران و مشاوران، دانشجویان و جوانان هر کدام در یک مطالعه، نمونه ای از آنها مورد بررسی قرار گرفته اند. در مجموع حجم نمونه ی مطالعات ۳۰۵۷ نفر (۲۵ نفر از

والدین، ۱۸۶۱ نفر از نوجوانان و دانش آموزان، ۲۵۴ نفر از دبیران و ۹۱۷ نفر از دانشجویان و جوانان) بود همچنین، کوچکترین مطالعه بر روی ۳۰ نفر و بزرگترین مطالعه بر روی ۷۲۳ نفر از نوجوانان و دانش آموزان انجام شده بود. ۴ مطالعه مربوط به استان اصفهان بودند. تهران و شیراز هر کدام دارای دو مطالعه، بندر لنگه، قم و اهواز هر کدام دارای یک مطالعه بودند. این مقالات در یک بازه زمانی ده ساله بین سال های ۱۳۹۱ تا ۱۴۰۰ به چاپ رسیده اند. در این میان با توجه به نمودار زیر بیشترین مقالات با تعداد ۶ عدد مربوط به سال ۱۳۹۸ می باشد و پس بیشترین مقالات در سال های ۱۳۹۴ می باشد. در این بازه زمانی در سالهای ۱۳۹۱، ۱۳۹۶، ۱۳۹۷ و ۱۳۹۹ مقاله ای که در این پژوهش مورد بررسی قرار گرفته باشد به چاپ نرسیده است.



بیشتر این پژوهش ها با استفاده از روش پیمایشی صورت گرفته است. هر چند روش های کیفی، توصیفی تحلیلی، علی مقایسه ای، نیمه تجربی و تطبیقی نیز مورد استفاده و توجه قرار گرفته اند. در جدول ۱ روش های مورد استفاده ذکر شده است و نمودار آن ترسیم شده است.

۲	علی مقایسه ای	۲	کیفی	۵	پیمایش
۱	تطبیقی	۱	نیمه تجربی	۳	توصیفی تحلیلی
				۱	ترکیبی



اکثر مطالعات مورد بررسی در این نوشتار از نظریه استفاده نکردند (۱۱ مطالعه). البته نظریه خود تعیین‌گری رایبیز (۱۹۹۵) ۲ بار در مطالعات بکار رفته است. همچنین نظریه برداشت از مفهوم خدا لارس، فولر، اریکسون و کیرک هم هر کدام یکبار مبنای مطالعات قرار گرفته‌اند.

همانطور که در جدول ۲ مشاهده می‌کنید بیشترین ابزار مورد استفاده در مطالعات مورد بررسی پرسشنامه بوده است. البته ۴ مرتبه از تکنیک مصاحبه نیز استفاده شده است.

جدول ۲: پرسشنامه مورد استفاده							
۱	سبک دل‌بستگی کولینز و رید)	۱	انعطاف‌پذیری خانواده	۱	گرایش به تفکر انتقادی (ریکتس ۲۰۰۳)	۵	محقق ساخته
۱	شخصیت هگزاگو (اشتن و لی)	۱	عمل به باورهای دینی	۱	هویت دینی (لطف آبادی، ۱۳۸۱)	۱	جهت‌گیری معنوی
۱	ابعاد و سبک‌های فرزندپروری (رایبسون و همکاران)	۱	سلامت روان	۱	دینداری (گلاک و استارک ۱۹۶۵)	۱	مذهبی بودن والدین (گرنکوویست ۱۹۹۸)
۴	مصاحبه	۱	جهت‌گیری مذهبی با تکیه بر اسلام (آذربایجانی)	۱	الگوهای ارتباطی خانواده (کوثرنر و فیتز پاتریک ۱۹۶۵)	۱	الگوهای ارتباطی خانواده (ریچی و فیتز پاتریک ۱۹۹۰)

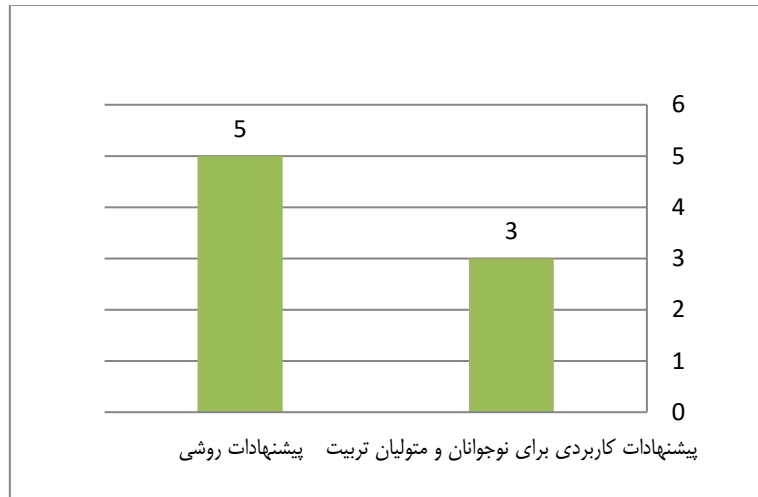
در مورد تخصص و دانشگاه نویسنده اول مطالعات، همانطور که در جداول ۳ و ۴ مشاهده می‌شود بیشترین تخصص نویسنده اول مربوط به رشته روانشناسی بوده است. از نظر دانشگاه نویسندگان مقالات باید گفت سهم دانشگاه اصفهان با ۳ مقاله از سایر دانشگاه‌ها بیشتر می‌باشد و پس از آن مربوط به حوزه علمیه می‌باشد. سایر دانشگاه‌ها نیز در جدول ۴ به تفکیک بیان شده‌اند.

جدول ۳: تخصص نویسنده اول							
۱	فلسفه تعلیم و تربیت	۱	تفسیر و علوم قرآن	۲	جامعه‌شناسی	۶	روانشناسی
۱	مشاوره	۱	پزشکی	۱	عرفان اسلامی	۲	علوم تربیتی

جدول ۴: دانشگاه نویسندگان						
---------------------------	--	--	--	--	--	--

۱	دانشگاه آزاد مرودشت	۱	شهید بهشتی	۳	دانشگاه اصفهان
۱	دانشگاه شهید چمران اهواز	۱	دانشگاه آزاد بندر لنگه	۲	حوزه علمیه
۱	دانشگاه تربیت مدرس	۱	دانشگاه الزهرا	۱	دانشگاه تهران
۱	مشخص نیست	۱	دانشگاه خلیج فارس	۱	علوم و معارف قرآن کریم

در خصوص ارائه پیشنهاد در پژوهش‌ها طبق نمودار زیر از ۱۵ پژوهش ۸ مورد داری پیشنهادات می‌باشند. از میان پیشنهادات مطرح شده ۵ مورد روشی و ۳ مورد پیشنهادات کاربردی برای نوجوانان و متولیان تربیت هستند.



پیشنهادان کاربردی آنها شامل موارد زیر می‌باشد:

- ✓ طراحان درسی نگاهی متعادل به ابعاد شناختی، عاطفی و عملکردی بر مبنای آموزه‌های تربیت اسلامی داشته باشند.
- ✓ تلفیق آموزه‌های تربیت اسلامی در ابعاد اهداف، محتوا و روش‌ها و رهنمودهای تدریس و ارزشیابی
- ✓ به دانش‌آموزان فرصت داده شود که در هدف‌های یادگیری خود حق انتخاب داشته باشند. / زمینه بحث و تبادل نظر پیرامون مسائل و مشکلات معنوی، تجزیه و تحلیل موقعیتی در هویت ملی و جهانی در برنامه‌های درسی ارائه گردد.
- ✓ دست‌اندرکاران برنامه‌ریزی و تألیف ضمن مبادله اطلاعات با کشورهای دیگر از نتایج و دستاوردهای روزآمد سایر کشورها با توجه به شرایط ملی، فرهنگی، اعتقادی کشورمان استفاده نمایند.
- ✓ برای موفقیت در امر تربیت عبادی ضروری است به نکات زیر توجه شود:
- **زمینه‌سازی مناسب:** یعنی ایجاد آمادگی در نوجوانان از نظر روحی، روانی و عاطفی نسبت به عبادات که باعث آمادگی پذیرش و انجام تکالیف شرعی و همچنین جلوگیری از کم‌توجهی کودکان نسبت به مسائل عبادی می‌شود؛
- **بصیرت‌بخشی:** باعث می‌شود افراد در راه تحقق احیای تفکر دینی و غلبه حق بر باطل و حاکمیت ارزش‌های اسلامی تلاش مجدانه داشته و علیه باطل، مبارزه کنند؛

- **الگوهای کامل:** این نکته مهم تربیتی باعث می‌شود انسان هدف تربیت و در نتیجه راه تربیت را فراموش نکند و پیوسته در راه اتصال به صفات و کمالات آنان گام بردارد؛
- **شیوه تبشیر:** این شیوه سبب مقاوم‌سازی متربی در قبال تهدیدات اعتقادی و دعوت به عبادت و سوق به سوی معارف اسلامی می‌شود؛
- **روش تش و یق و تنبیه:** یعنی آدابی که سببی برای برانگیختگی و بازدارندگی برای شکوفا شدن استعداد های انسان در جهت کمال مطلق هستند؛
- **گریزه حب ذات در نوجوانان و تکریم آنان:** باعث می‌شود روحیه‌ای طبیعی و روانی متعادل داشته باشند و به سمت عبادت گرایشی قوی پیدا کنند؛
- **مراقبه و محاسبه به:** سبب می‌شود متربی و نوجوان ارزش وجودی خود را درک کرده و در جهت حفظ خود و مراقبت و حسابرسی به عبادت روی آورد؛
- **تذکر و یادآوری نعمت‌های الهی:** از جمله شیوه‌هایی است که در ایجاد انگیزه برای توجه دادن فطرت پاک نوجوان به صاحب نعمت و سپاس‌گزاری از او بسیار مؤثر است؛
- **بهره‌گیری از تمثیلات و تشبیهات:** این روش، به‌ویژه برای کودکان و نوجوانانی است که به بلوغ عقلی و فکری نرسیده‌اند، کاربرد دارد؛ چراکه خداوند بسیاری از معارف و حقایق بلند را به شکل تمثیل بیان کرده است؛
- **به‌کارگیری آهنگ و لحن مناسب:** آن‌گونه‌ای که بیشترین تأثیر را برای نفس داشته باشد؛
- **موعظه:** که قلب را نرمی و رقت می‌بخشد و عواطف را تحریک می‌کند و موجب می‌شود که انسان از کجی و پلیدی دست بکشد و به‌راستی، خوبی و عبادت گرایش پیدا کند؛
- **دعا و نیایش:** که به‌صورت یک تفریح، درخواست کمک یا تأمل و کشف و شهود بروز می‌کند و روان انسانی را به آستانه خداوند عروج می‌دهد؛
- **ارتباط با اماکن مذهبی:** این شیوه به‌عنوان مشوق، رغبت به عبادت را زیاد می‌کند.
- ✓ مسئله، وارد کردن یا نکردن فناوری اطلاعات به جریان تربیت دینی دانش‌آموزان نیست؛ بلکه چگونگی بهره‌گرفتن از این قدرت برای تربیت مناسب، پاسخگو و اثربخش برای همه در هر جا و در هر زمان است؛ بدین منظور راهکارهای ذیل پیشنهاد میشود؛
- لزوم فرهنگ‌سازی؛ تولید و ارائه محصولات رسانه‌ای در حوزه تعلیم و تربیت به منظور غنی‌سازی اوقات فراغت دانش‌آموزان؛
- استفاده از روشهای فعال تدریس؛
- تهیه محتوای مناسب؛
- دقت در برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری؛
- نگرش سیستمی به تربیت دینی.

- در مجموع نتایج پژوهش‌ها نشان می‌دهد که؛
- نحوه تعامل والدین با فرزندان سایر ابعاد زندگی افراد را تحت تأثیر قرار می‌دهد. رشد و تحول دینداری نوجوانان نیز مستثنی از این قاعده نیست. تمامی تعاملات و گرایش‌هایی که میان والد و فرزند رد و بدل می‌شود، به نوعی موقعیت‌هایی را برای مشاهده و الگوبرداری از والدین، که منجر به توسعه نگرش‌ها و رفتارهای مشابه در فرزند می‌شود، فراهم می‌کند.
  - والدینی که از خودمختاری و استقلال فرزندان خود حمایت می‌کنند، در واقع نمی‌خواهند که از خواسته‌ها و توقعات آنها، بدون چون و چرا پیروی شود. موجب می‌شود تا فرزندان فارغ از هرگونه احساس اجبار، در زمینه دین با والدین خود بحث و گفت‌وگو کنند و به دنبال یافتن پاسخ باشند. در مقابل، والدین نیز در مورد توقعاتشان در زمینه دین با فرزندان شان وارد بحث و گفت‌وگو شوند.
  - تربیت اسلامی بر ابعاد سبک زندگی اسلامی نوجوانان دختر موثر است. تأکید آموزه‌های دینی به والدین بر تشویق و تمجید نوجوان در جمع، حفظ احترام و اهمیت دادن به نظرات او در تصمیم‌گیری‌های مهم زندگی، یادآوری و تأکید بر موفقیت‌های گذشته و صفات مثبت، عملکرد خوب و قابلیت‌های او بجای توجه به شکست‌ها و صفات منفی گذشته اش موجب رشد اعتماد به نفس و افزایش آگاهی او نسبت به توانمندی‌هایش می‌شود. تأکید آموزه‌های اسلامی در تعاملات اجتماعی بر محور قراردادن خدا در تمام امور و روابط اجتماعی و انجام کار به نیت الهی تا با واکنش منفی مخاطب دچار دلسردی و تضعیف رابطه نشود، نمونه‌هایی از دستورات دینی در باب تربیت دینی فرزند است.
  - برداشت مفهوم خدا در سنین مختلف متفاوت است و هویت مذهبی، اخلاق، ایمان، مفاهیم خدا و نیایش در کودکان همگی طی مراحل بروز می‌کنند که تا حدی مقارن با مراحل پی‌اژه‌ای است. در مجموع سیر پیشرفت از ناتوانی در ادراک مفاهیم معنویت در اوایل زندگی آغاز می‌شود و از دینی بسیار «خودمحور» می‌گذرد و به فهمی ملموس و عینی از دین سرانجام به نوعی دین‌داری انتزاعی‌تر و پیچیده‌تر می‌انجامد. تحول مفهوم خدا در کودکان ایرانی همانند کودکان ادیان مختلف است و مفهوم خدا مفهومی است که از انسان‌پنداری شروع شده و تا دید فوق‌طبیعت‌پنداری رشد می‌کند.
  - کودکان خداوند را به صورت یک مرد تصور می‌کنند و احتمالاً در دخترها بیش از پسرها می‌تواند شواهدی مبتنی بر این دیدگاه یافت. (لد و همکاران، ۱۹۹۸). اما در سایر مطالعات کودکان خداوند را به عنوان مظهر عشق و مهربانی (مادرانه) و نه به عنوان منبع قدرت و اقتدار (پدرانه) ادراک می‌نمایند. با این اوصاف به نظر می‌رسد مادران در مفهوم خدای کودکان به خصوص دختران نقش مهم‌تری ایفا می‌نمایند.
  - فرزندپروری مقتدر والدین رابطه مثبت و معنی‌دار و سبک فرزندپروری مستبد رابطه منفی معنی‌داری با دینداری دانش‌آموزان داشتند.
  - در خانواده‌هایی که دینداری پدر در سطح بالایی است، با افزایش میزان گفت‌وگو و شنود دینداری فرزندان افزایش می‌یافت؛ اما در خانواده‌هایی که دینداری پدر پایین بود، افزایش گفت‌وگو و شنود ابتدا موجب افزایش دینداری و سپس موجب کاهش آن می‌گردید. و در خانواده‌هایی که میزان دینداری مادر پایین بود، با افزایش الگوی ارتباطی هم‌نوعی میزان دینداری

مناسکی دانش آموزان دختر و دینداری پیامدی دانش آموزان پسر به شدت کاهش می یافت. در حالی که در خانواده هایی که دینداری مادر بالا بود، این کاهش ناچیز بود.

— دینداری دختران؛ اغلب با استفاده از دینداری والدین به خوبی پیش بینی می شود؛ اما دینداری پسران، چندان تحت تأثیر دینداری والدین قرار نمی گرفت و اغلب با الگوی ارتباطی گفت و شنود پیش بینی می شود. علاوه بر این بعد هم‌نوايي تنها در دانش آموزان دختر قادر به پیش بینی دینداری بود. بنابراین به نظر می رسد در جامعه پذیری دینی دختران و پسران تفاوت هایی وجود دارد به طوری که در هر یک از این گروه ها عوامل متفاوتی قادر به پیش بینی دینداری هستند.

— فرصتهای ناشی از گسترش فناوری اطلاعات، به حوزه رفتاری ها مربوط می شود، به عنوان مثال سیاست گذاری، برنامه ریزی و تصمیم سازی در بعد رفتاری تربیت دینی دانش آموزان بسیار حائز اهمیت است. همچنین در قلمروی تهدیدها، عامل شناختی، بزرگترین سهم را داراست. اعتقادات و مبانی شناختی دانش آموزان، بیش از همه در معرض تهدیدها و چالش های ناشی از فناوری های نوین است.

— هر چه انعطاف پذیری در خانواده بیشتر و دینداری بالاتر باشد فرد نوجوان از سلامت روان بیشتری برخوردار است.

— دینداری در نوجوانان خانه گریز و عادی متفاوت است زیرا میزان اعتقاد به مسائل و آیین های مذهبی متفاوت است. چراکه انجام تکالیف و آیین های مذهبی در خانواده نوجوانان خانه گریز کمتر جدی گرفته می شود و یا اعتقاد قلبی به انجام فرایض ندارند، این نوجوانان کمتر تمایل به انجام این تکالیف دارند.

— سلامت روان در نوجوانان عادی و خانه گریز متفاوت است. در واقع نوجوانان عادی از سلامت روانی بیشتری برخوردار هستند.

— والدین مذهبی از طریق افزایش آگاهی افراد از تحت نظارت خدا یا قدرت بالاتر بودن، خود کنترلی فرزندان را تقویت می کنند

— نوجوانان مذهبی در مقایسه با همسالان غیرمذهبی شان، ممکن است به دقت رفتارهایشان را با توجه به اهداف و ارزش های شخصی شان که متأثر از قوانین و اصول آموزه های مذهبی است، تنظیم کرده و تلاش نمایند صفات پسندیده اخلاقی را در رفتارشان نشان دهند.

— تصور والدین از خدا به اضافه شیوه فرزندپروری آنها، نگرش پیش بینی کننده ای برای شکل گیری تصور از خدا در جوانان است.

همچنین یافته های یکی از مطالعات که؛ یافته های دو رویکرد روان شناختی و دینی، در عین حال که با هم تفاوت دارند، اما متعارض نیستند. از این رو، این یافته ها می توانند به عنوان مکمل یکدیگر در نظر گرفته شوند. در نتیجه، شناختی عمیق تر از موضوع مورد بررسی ارائه شود؛ از یک سو، تبیین های روان شناختی- در چارچوب نظریه های دلبستگی و روان تحلیل گری و مفاهیم پیازه ای- درباره چگونگی تأثیر برآیند تجارب دوره طفولیت، می تواند به فهمی عمیق تر از آموزه های اسلامی، ناظر به این مقطع سنی کمک کند. به عنوان نمونه، با استفاده از تبیین های روان شناختی می تواند تأکید ائمه را بر سرعت در پاسخ گویی به نیازهای کودک یا عدم واکنش تند در دوره طفولیت، یا محبت کردن



از طریق در آغوش گرفتن، بر دامان نشانیدن، بوسیدن، نوازش کردن، نگاه با محبت، شدت اظهار علاقه زبانی و بوییدن را به شیوه علمی و مورد پذیرش در مجامع علمی توضیح داد. حتی اهتمام به عمل کردن به مفاد آنها را در مخاطبان افزایش داد.

در ادامه در یکی از مطالعات به گونه شناسی انواع دینداری جوانان می پردازد. نتایج یافته های کیفی و کمی این پژوهش نیز تأیید کننده این خطوره است که دینداری به طور عام و دینداری جوانان به طور خاص، از فرم و قالب ثابت، یک شکل و بسیط خارج گردیده و به عبارتی، تغییر، تلون و تکثر، جایگزین آن شده است. این یافته ها بیانگر اینست که ظهور گفتمان ها و سبک های زندگی جدید و مدرن و در پی آن، برآمدن هویت های دینی خود ساخته، سیمای دین داری جوانان را تغییر داده؛ اما به ضرس قاطع می توان گفت، دین و دینداری در دهه های آینده، همچنان نیروی مهمی خواهد بود و دینداران در شکل دهی نظم اجتماعی و فرهنگ ایرانی، حضور جدی خواهند داشت. همچنین خود مرجع شدن دینداری در بین افراد بدین معناست که در تمام اجزا و عناصر دینداری و ابعاد آن، رگه هایی از تعقل و خرد فردی به همراه قابلیت تشکیک و به چالش کشیدن آموزه های پیشین و الگوهای سابق دین ورزی وجود دارد. این امر نو ظهور در جامعه ایرانی و به طور خاص در بین جوانان شهر اصفهان باعث شده است که تا فرد خود تشخیص دهد و تصمیم بگیرد که با دینداری اش چگونه برخورد کند (حسن پور و شجاعی، ۱۳۹۳).

در نهایت در پنج مطالعه راه کارها و روش های نظری و عملی نظیر؛ دقت در برنامه ریزی و سیاست گذاری ها، لزوم فرهنگ سازی، تولید و ارائه محصولات رسانه ای با محتوای مناسب، شیوه های فعال تدریس، نگرش سیستمی به تربیت دینی، شناساندن جایگاه و حقوق و فضایل اهل بیت و آموزش چگونگی توسل به اهل بیت، مراقبت های ویژه زمان انعقاد نطفه و دوران جنینی، تغذیه پاک و حلال، بزرگداشت ایام وفات و ولادت ائمه (ع)، آشنایی فرزندان با سرزمین های مقدس و زیارت ائمه (ع)، بصیرت بخشی، الگودهی مناسب، تبشیر، تشویق و تکریم نوجوان و... جهت تربیت دینی فرزندان ارائه شده بود.

## ۶- منابع:

۱. حسن پور آرش، معمار ثریا. مطالعه وضعیت دین ورزی جوانان با تاکید بر دینداری خودمرجع (ارائه یک نظریه زمینه ای). تحقیقات فرهنگی ایران. ۱۳۹۴ [cited ۲۰۲۲ July ۲۰]; ۳(۸) (پیاپی ۳۱): ۹۹-۱۳۱. Available from: <https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?id=۲۶۴۰۸۴>
۲. حسینی فریده سادات، جمشیدی سلوکلو بهنام، مزیدی محمد. پیش بینی میزان دینداری نوجوانان بر اساس دینداری والدین و الگوهای ارتباطی خانواده. شخصیت و تفاوت های فردی. ۱۳۹۴ [cited ۲۰۲۲ July ۲۰]; ۸(۴): ۱۰۱-۱۲۴. Available from: <https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?id=۲۸۴۳۸۱>
۳. خدایاری فرد، محمد. باقر غباری بناب الهه حجازی رامین هاشمی گشنیگانی. روابط بین فردی درون خانواده و دینداری نوجوانان: ارائه یک مدل ساختاری. روانشناسی و دین سال دوازدهم پاییز ۱۳۹۸ شماره ۳ (پیاپی ۴۷).
۴. رضائیان، حمید، توتونچی، بهاره. پیش بینی هویت دینی فرزندان بر اساس الگوهای تعاملی خانواده، دینداری والدین و تفکر انتقادی نوجوان. *مطالعات زن و خانواده* ۱۳۳۳، ۹۶۴۳، ۲۰۲۰. doi: ۱۰.۲۲۰۵۱/jwfs.۲۰۲۰.۱۰۹-۱۲۸. (۳): ۷، ۱۳۹۸، شجاعی زند، علیرضا، حسن پور، آرش. گونه شناسی دینداری جوانان شهر اصفهان. *جامعه شناسی کاربردی* - ۱۷: (۴): ۲۵، ۱۳۹۳، ۳۹.
۶. غلامی سمیه، ذاکری مختار، زینلی فاطمه. مطالعه چگونگی نهادینه کردن نمازخوانی فرزندان نوجوان توسط والدین: ارائه مدل مطلوب با رهیافت گراند تئوری. مسائل کاربردی تعلیم و تربیت اسلامی. ۱۳۹۸ [cited ۲۰۲۲ July ۲۰]; ۴(۳) (پیاپی ۱۲): ۱۱۹-۱۴۲. Available from: <https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?id=۵۱۲۵۶۲>
۷. قاسمی، حمیده، هاشمی، اسماعیل. الگوی ساختاری روابط بین ادراک از دینداری والدین و دینداری فرزندان با توجه به نقش میانجی گر سبک دلبستگی، ویژگی های شخصیتی و سبک فرزندپروری. *مطالعات اسلامی زنان و خانواده*، ۱۳۹۸؛ ۶(پاییز و زمستان): ۲۴-۷.
۸. کریمی نیا، محمد مهدی. زهرا سنچولی، ابراهیم ولایتی فاضل، مجتبی انصاری مقدم. راه های ایجاد محبت به اهل بیت (علیهم السلام) در کودکان و نوجوانان. پیشرفت های نوین در روانشناسی، علوم تربیتی و آموزش و پرورش سال چهارم فروردین ۱۴۰۰ شماره ۳۴.
۹. گریوانی، مسلم. روش های تعمیق باورهای دینی کودکان و نوجوانان / *فحق تبلیغ*. doi: ۱۰.۲۲۰۸۱/ofogh.۲۰۱۹.۶۸۵۳۲. (۱): ۷۵-۸۸، ۱۳۹۸، معتمدی، فرزانه. باقر غباری بناب. مراحل تحول معنوی و درک مفهوم خدا در کودکان و نوجوانان ۷ تا ۱۴ ساله. پیشرفت های نوین در روانشناسی، علوم تربیتی و آموزش و پرورش سال دوم تیر ۱۳۹۸ شماره ۱۳.
۱۱. موسوی، ستاره، ۱۳۹۵، تاثیر آموزش مبتنی بر تربیت اسلامی بر سبک زندگی اسلامی و جهت گیری مذهبی نوجوانان، <https://civilica.com/doc/1230705>
۱۲. نقی پور قزلبچه، میترا؛ راضی فتحی. بررسی رابطه بین انعطاف پذیری خانواده و دینداری و سلامت روان در بین نوجوانان خانه گریز و عادی. *فصلنامه فرهنگی تربیتی زنان و خانواده*. مقاله ۵، دوره ۱۳۹۳، شماره ۲۴، آبان ۱۳۹۲.
۱۳. نوذری، محمود. رشد دینداری در اوائل کودکی: رویکردی روانشناختی اسلامی. منبع: روانشناسی و دین سال نهم تابستان ۱۳۹۵ شماره ۲ (پیاپی ۳۴).
۱۴. وفایی، رضا، فتح الله کوشکی. راهکارهای تربیت عبادی نوجوانان. پژوهش نامه تربیت تبلیغی، سال چهارم شماره ۹ (پیاپی ۱۰)، پاییز و زمستان ۱۳۹۴
۱۵. هاشمی، سید محمد جواد و نیلی، محمد رضا و نیستانی، محمد رضا، ۱۳۹۳، بررسی فرصتها و تهدیدهای ناشی از گسترش فناوری اطلاعات در تربیت دینی دانش آموزان دبیرستانهای پسرانه شهر اصفهان، <https://civilica.com/doc/1417057>

## خلاصه گزارش:

در این نوشتار ۱۵ مقاله بر اساس "اهداف و موضوعات نسبتاً مشابه" از بین مطالعات مربوط به دینداری نوجوانان انتخاب و مورد مطالعه ثانویه قرار گرفتند. تحقیقات صورت گرفته با محوریت "دینداری نوجوانان" به موضوعات مختلفی پرداخته است، از جمله می توان به موضوعات کلی؛ تفاوت رویکرد اسلامی و روانشناختی در توصیف و تبیین رشد دینداری، گونه های دین داری، عوامل موثر بر دینداری و در نهایت روش ها و راهکارهای ایجاد محبت به اهل بیت(ع) و تربیت عبادی اشاره نمود.

یافته های مرور ثانویه مطالعات نشان می دهند عواملی از جمله؛ روابط بین فردی درون خانواده (رابطه والد فرزندی، مشاهده و تقلید از والدین، تفکر انتقادی نوجوان)، تاثیر آموزش مبتنی بر تربیت اسلامی، عوامل اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی، تحول شناختی (رشد معنویت) نوجوان، تاثیر سن و جنس نوجوان و تاثیر رسانه و فناوری اطلاعات؛ عوامل موثر بر دینداری و تربیت دینی نوجوانان می باشد. سیر پیشرفت کودکان از ناتوانی در ادراک مفاهیم معنویت در اوایل زندگی آغاز می شود و از دینی بسیار «خودمحور» می گذرد و به فهمی ملموس و عینی از دین سرانجام به نوعی دین داری انتزاعی تر و پیچیده تر می انجامد. همچنین اعتقادات و مبانی شناختی نوجوان، بیش از همه در معرض تهدیدها و چالش های ناشی از فناوری های نوین است. تمامی تعاملات و گرایش هایی که میان والد و فرزند رد و بدل می شود، به نوعی موقعیت هایی را برای مشاهده و الگوبرداری از والدین، که منجر به توسعه نگرش ها و رفتارهای مشابه در فرزند می شود، فراهم می کند. علاوه بر این تأکید آموزه های دینی به والدین بر تشویق و تمجید نوجوان در جمع، حفظ احترام و اهمیت دادن به نظرات او در تصمیم گیری های مهم زندگی، یادآوری و تأکید بر موفقیت های گذشته و صفات مثبت، عملکرد خوب و قابلیت های او بجای توجه به شکست ها و صفات منفی گذشته اش موجب رشد اعتماد به نفس و افزایش آگاهی او نسبت به توانمندی هایش می شود؛ تأکید آموزه های اسلامی در تعاملات اجتماعی بر محور قراردادن خدا در تمام امور و روابط اجتماعی و انجام کار به نیت الهی نمونه هایی از دستورات دینی در باب تربیت دینی فرزند است. در نهایت در پنج مطالعه راه کارها و روش های نظری و عملی نظیر؛ دقت در برنامه ریزی و سیاست گذاری ها، لزوم فرهنگ سازی، تولید و ارائه محصولات رسانه ای با محتوای مناسب، شیوه های فعال تدریس، نگرش سیستمی به تربیت دینی، شناساندن جایگاه و حقوق و فضایل اهل بیت و آموزش چگونگی توسل به اهل بیت، مراقبت های ویژه زمان انعقاد نطفه و دوران جنینی، تغذیه پاک و حلال، بزرگداشت ایام وفات و ولادت ائمه (ع)، آشنایی فرزندان با سرزمین های مقدس و زیارت ائمه (ع)، بصیرت بخشی، الگودهی مناسب، تبشیر، تشویق و تکریم نوجوان و... جهت تربیت دینی فرزندان ارائه شده بود.